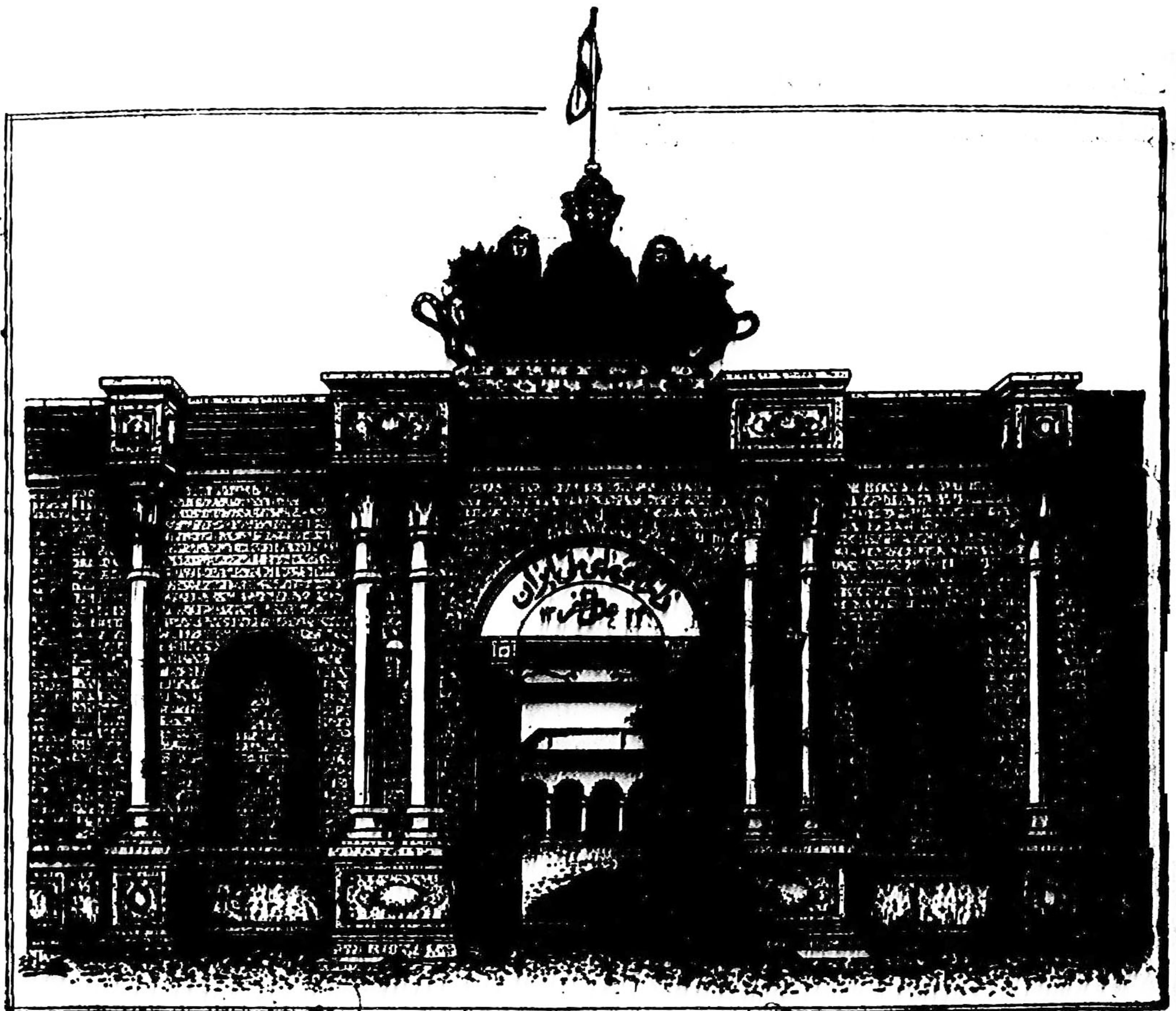


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۹۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۶۱</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۸ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	از صفحه	الی صفحه	عنوان
۱	۲۲۵۱	۲۲۵۲	تصویب مرخصی آقایان - مدرس شبروانی - دهستانی
۲			سؤال آقای کازرونی از آقای رئیس صحبه راجع به صحبه بنادر جنوب و جواب آقای رئیس صحبه
۳	۲۲۵۲	۲۲۵۳	سؤال آقای اعتبار از آقای رئیس صحبه راجع به صحبه بروجرد و ارستان و جواب آقای رئیس صحبه
۴	۲۲۵۳	۲۲۵۵	تقیه شور نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع با استخدام متخصصین مالی
۵	۲۲۵۵	۲۲۷۹	



مذاکرات مجلس

دوره نهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۲۸ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ رجب المرجب ۱۳۴۶

جلسه ۱۹۶

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: مرضی قلی خان بیاب - آقا سید کاظم
 زدی - خطیبی - دشتی - میرزا هاشم آشتیانی - بهبهانی
 بهار - بنی سلیمان - عدل - میرزا ابراهیم آشتیانی

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست
 آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس بوم سه شنبه ۲۶ دی
 را آقای نکمهبان قرائت نمودند)

میرزا حسن خان وثوق -

غالبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: حاج علی اکبر امین - محمد ولی خان اسدی
ذوالقدر - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی -
آقای علی زارع - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک -
حاج غلامحسین ملک -

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: عراقی - بالیزی - میرزا عبدالله خان وثوق
دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان: جلالی - قوام شیرازی - عباس میرزا - مدرس

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - قبل از دستور

رئیس - آقای روحی

روحی - قبل از دستور

رئیس - آقای شریعت زادم

شریعت زادم - قبل از دستور

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. چند فقره خبر

از کمیسیون عرایض رسیده است قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

آقای مدرس نماینده محترم بجهت اشتغال به امر مهمی
تقاضا کرده اند که در یکماه دی بسماعت تأخیر حضور در
اول بلسات را با اجازه باشند کمیسیون با تقاضای نماینده
محترم موافقت نموده و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده کمال موافقت را دارم با این مرخصی
ولیکن میخواهم عرض کنم که کمیسیون عرایض بسماعت
مرخصی را نباید بمجلس بیاورد...

بکنفر از نمایندگان - راجع به یکماه است

روحی - یکماه یا یک سال فرق نمیکند کمیسیون
عرایض برای بسماعت مطابق نظامنامه حق دارد اجازه
بدهد و محتاج به آوردن مجلس نیست.

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر

(مضمون ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای شبروانی بعلت عدم فراهمی وسائل
تقلیه از سر جد اجازه ده روز مرخصی از تاریخ انقضای
مرخصی سابقشان نموده کمیسیون عذر ایشان را موجه
دانسته با مرخصی ایشان موافقت مینماید

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقایانیکه با مرخصی آقای شبروانی موافقت
قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر

(بشرح آتی خوانده شد)

آقای دهستانی نماینده محترم بواسطه علت مزاج از
اول اسفندچهل روزه مرخصی تقاضا نموده اند کمیسیون
پس از مذاقه و مطالعه در مرخصی مزبور از تاریخ
اول اسفند ماه یکماه با مرخصی ایشان موافقت نموده خبر
آنرا تقدیم مجلس مقدس مینماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالف بودم لیکن برای
اینکه از نطق قبل از دستورشان راحت شوم موافقت
می کنم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بل

رئیس - بفرمائید

کازرونی - هرچند بنده احتمال میدهم که آقای رئیس
محترم صحبه در جواب بنده اظهار بفرمایند که مقدرت
مالی بمن اجازه نمیداده است که اقدام کنم و این
اظهاراتشان مانع نیست از اینسکه بنده مطالب خودم را
اظهار کنم و آن چیزی را که میخواهم تقاضا کنم عرض
کنم بنده مدتها خدمتشان بوده ام و مذاکره کرده ام و
میدانم که ایشان سرحدات و بنادر را که دروازه ایاب
وذهاب امراض است بیش از تمام مملکت اهمیت میدادند
حالا میدانم که چرا دولت نسبت به بنادر توجهی ندارد
بنده از آقای رئیس صحبه هیچوقت انتظار ندارم که
به روبرو سابقین رفتار کنند و البته نخواهند هم کرد.
آقایان میدانند آن بلائی که در بنادر اتفاق افتاد و مخصوصاً
در قسمت میناب شاید روبره مرفته ده هزار نفر مردم
تلف شدند و تخم و نتاج این مرض هم در آنجا باقی ماند
برای يك مواقع دیگر و در هر صورت انواع امراض در
بنادر مخصوصاً در بندر عباس و میناب وجوع دارد.
موضوع قرظینه هم یکی از موضوعات مهمی است
که دولت ولو به جهت حفظ استقلال خودش هم
که باشد نباید حق بدهد که دیگران دخالت کنند
این فوق العاده مهم است بدبختانه می بینم که دولت هیچ
آثاری از این حیث ندارد نه مریض دارد... نه
طبيب دارد

جلالی - صحیح است

بعضی از نمایندگان - مریض که دارد

کازرونی - بله همین چیزهاست صحیح است ولی باقی
چیزهاست صحیح نیست. همینها اسباب تأسف است تمام دردها
روی همین نکته است. هر وقت اینجا اصلاح شد سایر جاهای اصلاح
میشود. مرکز ما اینجا است و البته همین است که گفتیم
مرکز اینجا است. اینجا بایستی علاقه مند شوند. نا
اینجا علاقه مند نیستند هیچ چیز درست نخواهد شد

کازرونی - بنده موافقم لیکن خواستم استدعا
کنم يك قانونی از مجلس بگذارید و حساب کنید به
بباید از اول تا آخر دوره روبره مرفته چند ساعت
بصرف تصویب این اجازه میشود ضرر را هر اندازه
چلویش را بگیریم اقم است يك قانونی از مجلس بگذارید
که دیگر این را بر آنها به مجلس نیاید و اعضاء کمیسیون
خودشان اجازه بدهند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با هر نوع مرخصی مخالفم و نسبت با آقای
شبروانی هم مخالف بودم اما بواسطه روی میزدم آقایان منشی ها
ملفت شدند. حالا آقای دهستانی اجازه خواسته اند.
بنده حقیقه حیفم میآید که ایشان از مجلس بروند باید
ایشان تشریف داشته باشند و ما با هم باشیم و به این
ملاحظه و با مرخصی ایشان مخالفم

رئیس - آقای زوار (مخبر کمیسیون) - نماینده محترم
میدانند که بنده هم راجع باین مرخصیها مخالفم و با ایشان
همیشه همصدا بوده ام ولی همانطور که در جلسه گذشته
م عرض کردم چه باید کرد؟ يك ماده در نظامنامه
هست که کمیسیون عرایض مجبور است عذر موجه را
قبول کند و اجازه بدهد بعلاوه آقای دهستانی دو دوره است
در مجلس هستند بنده هیچ وقت ندیده ام که ایشان اجازه
مرخصی نخواهند...

آقا سید یعقوب - خیلی

مخبر - ما اگر میخواهیم راحت بشویم باید آن ماده
نظامنامه را از بین ببریم و الا مخالفت ما ها فایده
ندارد

رئیس - آقایانیکه مفاد خبر کمیسیون عرایض را
را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای کازرونی از آقای رئیس
صحبه سؤالی داشتید؟

خلاصه باید عرض کنم که ما بایستی در آنجا طبیب و دکتر خیلی مهم داشته باشیم تا مردم چشم داشت باین نداشته باشند که وقتی يك كشتی وارد میشود دکترهای اجنبی آنها را سر برستی بکنند و بالاخره باید دولت این نقاط را کاملاً سر برستی کنند که مردم امیدوار شوند. هم از نقطه نظر سیاست و هم از نظر اینکه امراض از خارج وارد ایران نشود آن هم در بنادر جنوبی که همسایه هندوستان و مرکز تمام امراض است میخواستم سؤال کنم که آقای رئیس صحیه با آن جدیدی که در عملیات خودشان دارند چه اقدامی راجع به بنادر مخصوصاً در قسمت میناب و بندر عباس و عجز فرموده اند این عراض بنده است

رئیس صحیه - در جواب فرمایشات آقای کازرولی نماینده محترم عرض میکنم بنده از بدو تصدی خودم در صحیه بیشتر نظریاتم معطوف به سواحل خلیج فارس بوده مخصوصاً خوزستان که از نقطه نظر مجاورت با هندوستان و بین النهرین غالباً امراض اپیدمی از قبیل وبا و طاعون و این قبیل امراض بروز پیدا میکنند و باید قویاً تجهیزات کافی بکنیم که جلوی امراض اپیدمی گرفته شود و حق المقدور هم هر چه توانسته ام مضایقه و کوفتهای نکرده ام بنده از بدو تصدی خودم در صحیه اولین طبائی را که استخدام کرده ام به صفحات جنوب ایران و بخوزستان فرستادم و مخصوصاً از نقطه نظر مجاورت با هندوستان و بین النهرین و خط آهن اسکندر آباد که بطرف دزداب می آید که همیشه ابراب طرف حمله و هجوم مرض اپیدمی بوده البته تصدیق میفرمائید که بنده فوق کوشش را کرده ام، همین امسال تابستان گذشته خاطر دارم يك روزی آقای کازرولی تشریف آوردند پیش بنده و فرمودند که من نمنا میکنم به اسرع وقت شما به فریاد اهالی بندر عباس برسید، کلاً دارد در آنجا قتل عام میکند بنده بهشان عرض کردم که شما در اینجا بنشینید تا من صحیه بندر عباس را تأمین کنم

اندو هیچوجه حق ندارند مداخله کنند و اگر هم شاید يك طبیب کلیمی مداخله کند فوراً مورد مؤاخذه مأمورین دولتی خواهد شد تقریباً درسه سال قبل بکنفر طبیب از عراق به بروجرد رفت صحیه سابق او را بریاست صحیه آنجا مأمور کرد ولی البته ریاست افتخاری و بدون حقوق. مردم هم چون فاقد طبیب بودند این مسئله را استقبال کردند. آقای رئیس صحیه هم پنجاه تومان حقوق برایش قائل شدند و حکم برایش فرستادند و الان یکسال است که این حقوق بآن شخص رسیده بنده نظرم این بود که نسبت بطیب صحیه آنجا تعریفی شده باشد این نظرم نبود. البته بکنفر طبیب هم نمیتواند که صحیه بروجرد ولرستان و جاپلق و برورد را با ما می پنجاه تومان اداره کند بنده عقیده ام این است که آقای رئیس صحیه حالا که اعتباراتشان تکافؤ نمیکند قضایا را نسبی حل کنند بنده البته نمیخواهم عرض کنم که بودجه صحیه و رؤسای مریضخانه و صحیه طهران زیاد است شاید خیلی هم کم باشد ولی اگر تناسب را رعایت کنیم زیاد است بنده عقیده ام این است که آقای رئیس صحیه از همین اعتباراتی که موجود است يك ترتیبی قائل شوند و مخصوصاً این صفحه را که بنده عرض کردم و همه آقایان بوضعیت بد بختی اهالی آن صفحه سوابق کامل را دارند توجه مخصوص بکنند که چند نفر طبیب برای آن صفحه در نظر بگیرند و برای اینکه تا حدی از نظر ایشان مطلع شده باشم این سؤال را کردم که به بینم این ظننی که نسبت به آن صفحه شده است میل دارند جبران کنند یا نه؟

رئیس صحیه - اولاً از اظهار قدردانی که آقای نماینده محترم فرمودند تشکر میکنم ثانیاً يك قسمت از فرمایشاتشان را بنده تصدیق دارم و يك قسمتش را تصدیق ندارم آن قسمتی که تصدیق دارم این است که تمام بروجرد فعلاً باید و نفر طبیب اداره میشود در صورتی که اقلاً پنجاه نفر طبیب لازم دارد. مریضخانه میخواهد

ساناتوریم میخواهد. مریضخانه امراض زهروی می خواهد. چیزهای دیگر میخواهد و با این مبلغ قلیل بودجه صحیه کل مملکتی تصدیق بفرمائید که مملکت بر عرض و طول ایران را چطور می شود اداره کرد. بنده تصور و تقصیری نکرده ام ممکن است معذرت بخواهم البته آنجا مریضخانه میخواهد، دواساز و دواخانه میخواهد بالاخره بهر اندازه که مجلس شورای ملی با صحیه کل مملکتی مساعدت بفرمایند و هر قدر هیئت دولت با من موافقت کنند و بمن پول بدهند بند اطمینان میدهم بشما که من قادرم صحیه شما را اداره کنم ولی چکنم که دست و پای مرا بسته اند و بمن شلاق میزنند و میگویند بدو. اما راجع بدکتر عطائی که فعلاً در بروجرد نمایندگی صحیه است عرض میکنم که ایشان یکی از نمایندگان لایق صحیه هستند و صحیه وجود او را مفتهم میشمارد و خیلی هم متأسف است از اینکه حقوق او تعویق افتاده و علت تعویق حقوق او هم بواسطه بطوع جریانی است که از سابق بوده است و همین بطوع جریان است که نمیگذارد ما موفق بشویم و آنچه را که میخواهیم عاجلاً انجام مثلاً کمترت این شخص برود به محل امضا شود و از آنجا بر گردانند و بعد بمؤسسه تقاعد برود و از آنجا باز يك جریانی را باید سیر کنند و بالاخره اینها بواسطه همان جریاناتی است که از سابق معمول بوده و امیدوارم در آتیه جویانش خیلی سریع باشد تا بتوانیم زودتر حقوق طبیبی خود ما را برسانیم و بهتری پیش برویم و اضافه اعتباری هم در بودجه ۱۳۰۷ صحیه منظور شده است که در تحت نظر است و میخواهیم بودجه را تنظیم کنیم و بنده اطمینان میدهم به نماینده محترم که تقریباً بتوانم طبیب و دوا به آنجا بفرستم. يك قسمت از فرمایشاتشان هم راجع به جلوگیری از اطباء غیر مجاز بود. این برای این بوده است که قانونی وضع شده و از مجلس شورای ملی گذشته که کلیه طبائی که اجازه ندارند محروم از طبابت هستند و ما ناچار بایستی قانون را احترام کنیم دیگر در موضوع تناسب فرمودند

که در مرخصخانه ها و اطبای مرکز بخارچشان زیاد است بنده تصور میکنم که این مرخصخانه ها بواسطه این بودجه صحیه دارد فوق العاده کم است و اگر ما نخواهیم تنها يك مرخصخانه در سراسر مملکت داشته باشیم بایستی بودجه صحیه ما خیلی بیش از اینها باشد و البته بایستی در اسرع وقت مجلس شورای ملی و دولت کمک بفرمایند و آنطوریکه باید بنده خدمات خودم را انجام دهم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده در قسمت مرخصخانه های طهران و اطباء طهران عرض نکردم عرض میکنم که نسبت را باید رعایت کرد حالا هم بنده عرض میکنم که در طهران بنده می توانم به آقای رئیس صحیه نشان بدهم که يك طبیبی سه چهار جا حقوق می گیرد این را بایستی يك حقوقش را جزو ولایات کرد در صورتیکه مرکز مرخصخانه ها و مؤسسات صحی تا اندازه دارد. اطباء آزاد زیاد است و آنقدرها مردم در مضیقه نیستند ولی در بروجرد و لرستان اگر بکنفر احتیاج پیدا کند باید به قضا و قدر واکذار کند. اگر چنانچه نمکن داشته باشد بایستی بهمدان برود بایباید اینجا معالجه کند و چنانچه نمکن نداشته باشد حالش معلوم است و حالام بنده از این فرمایشی که فرمودند قانع میشوم که انشاءالله در بودجه ۱۳۰۷ که فرمودند برای قسمت جابلق و بررود و لرستان يك توجهی بفرمایند

رئیس - آقای استرابادی پیشنهاد کرده اند لایحه بلدی مطرح شود بفرمائید

معتقد استرابادی - بنده تصدیق میکنم که لایحه متخصصین مالی مهم است ولی در عین حال قانون بلدی هم مداخلت نامه در احتیاجات مردم دارد و آن وقتی هم که بنده این پیشنهاد را کردم آقای وزیر مالیه تشریف نداشتند و عقیده ام این بود که لایحه بلدی جزو دستور شود. مادر طهران هستیم و يك بلدی مختصری هم داریم ولی در سایر جاها بلدی نداریم و اگر هم داشته باشیم بلدی ناقصی

است حقیقه همانطور که آقای شیروانی مکرر فرموده اند قانون بلدی به يك قانون حیان است بنده هم همین عقیده را دارم حقیقه فوق العاده مردم احتیاج به این قانون دارند و از آنطرف بعضی از جاها که مطابق قانون يك حقوقی دارند لا محاله آن قانون قانونی را با آنها بدهیم که رفع احتیاجات خودشان را بکنند ولی حالا چون آقای وزیر مالیه تشریف آورده اند بنده مخالف نیستم که قانون بلدی در درجه دوم گذارده شود

رئیس - ماده نهم از لایحه متخصصین مالیه مطرح است (شرح ذیل خوانده شد)

ماده نهم - هر مأمور و مستخدم صاحب جمعی که بر خلاف مدلول این قانون از تحویل عوائد وصولی خود بجزانه داری کل استنکاف و با مسامحه نماید از اخذ حقوق انتظار خدمت و وظیفه تقاعد که بر طبق قانون استخدام کشوری ذبح می شود محروم و مطابق قانون جزائی مملکت نیز مجازات خواهد شد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفتی با این ماده ندارم و این ماده بسیار خوب است لکن مجازاتش خیلی کم است بایستی مجازات خیلی شدید تر باشد و بایستی در ماده قید شود که از مشاغل دولتی محروم میشود ما اگر نخواهیم مجازات ها را مسامحه بگذرانیم هیچوقت از این وضعیت و بد بختی نجات پیدا نمی کنیم و این سرفتها و اختلاساتی که میشود هیچوقت کشف نمیشود و وقتی که کشف شد او را میبرند بعدلیه و بعد از چند روز تیرنه اش میکنند و با این مجازات ها بنده گمان نمی کنم بشود جلو اختلاس را گرفت بلکه باید جزر ماده بشود که بکلی از مشاغل دولتی محروم خواهد شد

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - آقا تقریباً مخالفتی فرمودند و فرمودند مجازات کم است آقا اگر این عقیده را دارند

ممکن است پیشنهاد بفرمایند چنانچه مجلس صلاح بداند تصویب میشود و انگهی در اینجا مجازات به اندازه لازم معین شده است و گمان می کنم مقصود آقا هم تأمین شده باشد

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) اولاً در ماده پیش یفتی شده است که مجازات همانطوری که آقا مایل هستند بشوند برای اینکه مطابق مقررات مملکتی باید مجازات شوند و اینکه فرمودند مجازاتی تا بحال نشده است و در عدلیه تیرنه شدند عرض میکنم اینطور نیست سابق را چه عرض کنم ولی از آن روزیکه مجلس يك قانونی راجع به مختلسین اموال دولتی گذرانده است تا امروز آن عده اشخاص که متهم به اختلاس اموال دولتی بوده اند الان در تحت تعقیب و در محبس عدلیه هستند و شاید یکعده اشخاصی هم که سنک قانون مجازات را بسینه میزدند دارند از آنها حمایت میکنند و بالاخره الان عدلیه در نهایت شدت دارد آنها را تعیب میکند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرض میکنم با این ماده البته مخالفت اصولی نمیشود کرد ولی بنظر بنده مسامحه و استنکاف استند به جهة اداری است که قسمت اول مجازات یعنی محرومیت از حق وظیفه است یا مربوط است به جنحه و جنایتی در آن صورت بایستی به عدلیه رجوع شود و بنا بر این باید تصریح شود که اگر جنحه و جنایتی است آنوقت به محکمه جزیاء رجوع شود از این جهت که بنده این را تذکر دادم

رئیس - آقای زوار

زوار - عرض میکنم که تصور میکنم در ماده به اندازه کافی مجازات معین شده است و اینکه راجع به شدت مجازات مذاکره میشود بنده عقیده ام این است که مجازات شدید تر قتل است و وقتی که از يك مأموری

مستحق مجازات شد بطوریکه میفرمایند البته برای او مرگ است

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که عبارتی ذیل به آخر ماده ۹ اضافه شود و ابداً از مشاغل دولتی محروم خواهد شد

رئیس - آقای فیروز آبادی

(حاضر نبودند)

پیشنهاد آقای بروجردی

این بنده پیشنهاد می کنم لفظ مسامحه به تقصیر مبدل شود

رئیس - آقای بروجردی

بروجردی - بنده چون دیدم لفظ مسامحه يك عمومی

دارد بطوری که يك جزئی تعللی قابل مجازات نیست

باعث میشود که این مجازات در حق او بشود و این

سزاوار نیست در قانون سابق هم که بنده دیدم در آنجا

هم لفظ تقصیر بود از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که لفظ مسامحه بتقصیر تبدیل شود

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - عرض میکنم اگر ملاحظه

بفرمائید آن کسیکه رئیس اداره است او خودش تشخیص

میدهد اگر عمدی باشد این را دیگر نمیشود يك کسی

باید تمیز بین عمد و سهو را بدهد او خودش ممیز

خواهد بود اشکالی هم ندارد که پیشنهاد آقا قبول بشود

ولی بالاخره خود آن شخص قضاوت خواهد کرد و بالاخره

او که نمی آید عمدی را سهوی قلمداد کند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای عباس میرزا (مضمون ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میباید که در آخر ماده ۹ اضافه شود در صورتیکه حکمی از مافوق مأموری بحالت اجبار او را مستنکف نماید آمر آن حکم مشمول مجازات فوق می شود.

رئیس - بفرمائید
عباس میرزا - در اینجا کلیه صاحبان جمع را در يك ردیف نسبت بجزانه دار معین کرده اند در صورتیکه ممکن است يك موقعی در اثر يك پیش آمدهائی یا فرس ماژری يك کسی که جزء است در مقابل يك صاحب جمع کل مجبور باشد باینکه از قانون تخلف کند در اینصورت آمر آن حکم باید مجازات شود باین جهت بنده این قسمت را اضافه کردم.

مخبر - هر صاحب جمعی یعنی هر مستخدمی در حدود وظائف خودش مسؤول است و فرس ماژری هم واقع نمیشود بعلاوه خود آنها هم يك مساعه ایست در تحت تأثیر فرس ماژور واقع شود. او باید وظائف قانونی خودش را بموقع اجرا بگذارد و البته اگر ما فوق او يك عمل خلاف وظیفه کرد مافوق او مجازات میشود نه خود او و او محکوم احکام کتبی ما فوقش است و در اینصورت تقصیری متوجه او نیست.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد، پیشنهاد آقای آقای سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم این ماده حذف شود.
رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقایان اگر در نظر داشته باشند

این ماده را در قانون کنترات دکتر میلسپو هم نوشتند ولی اینجاده را وقتی در آنجا گذاردند که ما قانون مجازات باین مفصلی نداشتیم ما آمدیم يك قانون مخصوصی نوشتیم و در آنجا مجازاتش اشد است این در وقتی بود که ما موفق نشده بودیم که يك قانون مجازات عمومی برای مملکت بگذرانیم این بود که آن اشخاصی که متوجه بودند باین که يك قانون مجازاتی در مملکت بگذرد در هر جائی يك ماده مجازاتی می آورند من جمله مسئله خوردن مال دولت و تخلف مأمورین و صاحب جمعها را در قانون مجازات عمومی نوشتیم و مجازاتش هم اشد است ولی اینجا الان اختلاف میشود بین آن ماده و اینجا آنجا انفصال ابدی است این جا ندارد آنجا دارد که مجازاتش باید مضاعف باشد این جا ندارد این است که بنده عقیده دارم حذف شود. عرض کردم اینکه در آن قانون کنترات سابق ذکر کردم برای این بود که قانون مجازات عمومی نداشتیم و در آنجا تمام جزئیات کاملاً منظور شده و دیگر در این جا محتاج نیست ذکر می کنیم وزیر مالیه - این نظر نمایند محترم از نقطه نظر کلی قانون گذاری شاید صحیح باشد ولیکن چون قانون ما تکمیل نشده از این جهت باید در هر موقعی ما يك قسمتی از آن را تکمیل کنیم اینجاده چنانچه ملاحظه میفرمائید اصل مطلب را عطف کرده است بقوانین جزائی مملکت از این نیت که مقرراتی که قانون مجازات عمومی است و باو اشاره کردند شامل اشخاص هم بشود. اما يك نکته ایستکه در قانون مجازات عمومی نیست و آن حقوق انتظار خدمت است و مسئله وظیفه تقاعدی قانون دارد یعنی بموجب آن قانون هر کس که بيك مدارجی میرسد حق تقاعد دارد ولی در هیچ قانون بطور مجازات نوشته شده است که ممکن است این حقوق تقاعد را نداد حالا اگر چنانچه يك همچو تخلفی کرده باشد آیا سزاوار است که این مستحق تقاضای حقوق انتظار خدمت باشد؟ خیر پس باید ما این را این جا بکنجانبیم

ولی در اصول مسئله عطف بهمان قانون مجازات عمومی است که فرمودید و آن مقررات شامل او خواهد بود و در این جا ضروری ندارد ذکر کنیم.

آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم زعمیم - بنده تأیید میکنم همین پیشنهاد را
رئیس - چه میفرمائید

زعمیم - عرض کردم بنده يك پیشنهادی کرده بودم راجع بحذف و حالا توضیح آنرا میدهم
رئیس - بفرمائید

زعمیم - بنده هم پیشنهاد حذف کردم ولی نه از نقطه نظری که آقای آقای سید یعقوب توضیح دادند و نمیدانم آقای وزیر مالیه هم توجه بفرمایند این از جمله قوانینی است که زجره میشود و يك طرف این قانون آلمانی است در اینجا حالا صرف نظر از عبارتی که نوشته شده است هر کس مستنکف باشد حقوق انتظار خدمت بهش داده نمیشود. مقصود این است که معزول میشود و بعد حقوق انتظار خدمت و کسور تقاعدش هم بهش داده نمیشود ولی این يك (ابده) و فکری در غیله آن طرف یعنی آن مستخدم با استشاری آورد و باو همچو حالی میشود که در ایران يك اشخاص و يك مأمورینی دولت دارد که متصدی ضبط نقد و جنس هستند ولی در موقع تأدیبه اش مستنکف میشوند و حال آنکه همچو چیزی مادر مملکتان نداریم هم متصدیان جمع کسانی بوده اند که امتحان داده اند که در هر موقعی هر قانونی از مجلس گذشته است لهم از اینکه مطیع دکتر میلسپو باشند با يك رئیس کل مالیه دیگری همه اطاعت کرده اند و این يك فکری وارد میکنند مثل اینکه يك اشخاصی هستند که مستنکف شده اند در صورتیکه همچو چیزی سابقه ندارد و گمان نمیکنم يك حکومتهای افرادی در مملکت ما وجود داشته باشد که بتوانند از مقررات قانونی استنکاف کنند این است که بنده خیال میکنم اگر اینجاده حذف شود بهتر است خاصه اینکه در قانون مجازات عمومی هم برای

اشخاص مستنکف از قانون يك جزا هائی معین شده است
رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - آقا مستحضرنند که اساساً افکار عمومی برای عدم مجازات و برای اهمال کاری در مجازات خیلی شدت دارد و همه انتظار دارند که به بینند شخص خائن چطور مجازات میشود اغلب روزها آقای فیروز آبادی در اینجا داد میزنند و بالاخره اینها يك افکاری نیست که از خودشان در میآورند. بلی در قانون مجازات عمومی مجازاتی معین شده ما هم يك چیزی علاوه کرده ایم اساساً شما باید بدانید که این خزانه دار بایستی خودش هم برای خاطر آن اختیاراتش دارای يك حکمی باشد که اگر یکی از مسؤولین پولی را بر داشتند چه باید بکنند اقل مجازاتی که میتواند بکنند این است که حقوق انتظار خدمتش را ندهد و اگر تصور میکنید که در قانون مجازات عمومی نوشته شده و عطف میشود بقانون مجازات بنده عرض میکنم این برای تأیید آن است اما اینکه فرمودند استنکاف سابقه ندارد. بنده عرض میکنم زیاد. اگر چنانچه سابقه نداشت ما محتاج نبودیم که آن لایحه را بیاوریم از مجلس بگذرانیم که آنها را تعقیب بکنند که بقول آقای شیروانی الان که آمده اند آنها را تعقیب کنند يك اشخاصی هم هستند که از آنها حمایت میکنند. ما در این جا این مجازات را برای اشخاصی که استنکاف بکنند از تأدیبه حقوق ملت و دارائی ملت که عبارت از مالیات است و ادوای جمعی شان است معین کرده ایم و بالاخره باید این آقایان مجازات شوند و از روی همین قاعده اقل حقوق انتظار خدمت بآنها داده نشود.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ضیاء

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود که در ماده نهم: کلمه «و یا مساعجه» بعد از استنکاف حذف شود.

رئیس - بفرمائید

ضیاء - اساساً باید قانون گذار متوجه این نکته باشد که راه اعمال غرض خصوصی را در قانون حتی الامکان بگیرد. آقایان اگر توجه بفرمایند بماده اینطور ماده نشان میدهد که استنکاف و مساعجه دونا است و مساعجه را بمعنی استنکاف نگرفته است. اگر چنانچه استنکاف و مساعجه دونا باشد البته برای اشخاص مجال اعمال غرض در این قانون پیدا میشود. برای اینکه فرض می کنیم بنا است يك مأمور صاحب جمعی ده تومان از ورامین بگیرد و بمركز برساند بمجرد اینکه يك ساعت دیرتر شد ممکن است رئیس بگیرد مساعجه در ارسال کرده و برای او يك تقصیری ثابت کند و بالاخره قانون هم او و عائله اش را از تمام حقوق محروم کند. اگر چنانچه استنکاف و مساعجه در نظر کمیسیون بودجه و دولت دونا است و باید همان تقصیر اداری که در قانون خزانه داری سابق هست ذکر شود اما اگر اینطور نیست فقط استنکاف کافی است. مأمور صاحب جمعی که باید مالیات دولتی وصول کند اگر از ادای آن مالیاتیکه جمع کرده است استنکاف بکند البته بایستی مشمول این قانون باشد و مجازات بشود این ماده هم لازم است از برای يك اداره که میخواهد دوسه برای مجلس تشکیل بدهد و آنوقت به عدلیه احاله کند.

مخبر - عرض کنم استنکاف و مساعجه در لغت دو معنی دارد ولی در نظر کمیسیون و دولت دونا نیست و ما هم دو منظور نداشتیم بالاخره استنکاف بمعنی ابا و امتناع از دادن مال دولت است یک نفر صاحب جمع میرود در يك محلی يك مبلغی مالیات میکیرد میرزد جیبش دولت هم از او مطالبه میکند نمیدهد این استنکاف است این یک نوع مجازات دارد. يك وقت است يك مأموری يك مبلغی ابواجمع او است دولت از او مطالبه میکند

او بطرفه و تامل میگذرانند دوسال سه سال طول میکشد استنکاف هم نمیکند ولی طرفه میزند. نمیکوید نمی دم میکوید میدم ولی فعلاً وسائل فراهم نیست. دزد در راه بهم زده است. باید خانه ام را گرو بگذارم. انواع واقسام بهانه است که يك مأموری مساعجه کند. مساعجه تنها راجع به صاحب جمع و تأدیبه مالیات نیست در قانون هم هست مساعجه در انجام خدمت خودش یک نوع مجازات دارد بنا بر این استدعا می شود از آقایان که این جا يك قدری افراط و تفریط نفرمایند يك عده ارفاق زیاد نداشته باشند يك عده هم شدن زیاد و بالاخره مأموری که مساعجه میکنند در انجام وظیفه باید مجازات شود.

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه این پیشنهاد

را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدرس

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده (۹) بطریق ذیل نوشته شود: ماده ۹ - هر صاحب جمعی که استنکاف یا مساعجه نماید از تحویل دادن عوائد وصولی خود بخزانه دار هر محاسب و مأمور پرداخت که استنکاف یا مساعجه نماید از دادن صورت و تصفیه حساب خود از خدمت منصرف خواهد شد و مطابق قوانین جزائی مجازات خواهد شد.

رئیس - بفرمائید

مدرس - اولاً البته حکمیت اینکه مواد تقصیر مستخدمین داخلی را در این لایحه اوشته اند این است که این لایحه را که میدهند بدست خزانه دار و الا در قوانین دیگر خودمان نوشته شده است فقط برای این است که این لایحه را که میدهند بدست خزانه دار او اعتماد داشته باشد که این مستخدمین باید نظریات او را اجرا کنند. این را بنده مخالفت ندارم

اولی گنایم این است ماده که نوشته شده است يك تعقیدی دارد و مثل این است که يك چیزی باید علاوه شود اولاً این کسیکه استنکاف یا مساعجه میکند از دادن پول سرکار هست یا نیست؟ بفرمایند. ظاهر این است که این مشغول کار است و استنکاف و مساعجه میکند از دادن پول. شما این را مجازاتش قرار داده اید که حقوق انتظار خدمت و حقوق تقاعد باو نمیدهند ولی در اینکه منصرف میشود یا نه ساکت است این ناقص است و باید نوشته شود منصرف میشود و وقتیکه منصرف شد البته نه حقوق تقاعد میکیرد و نه حقوق انتظار خدمت بفرمائید از خدمت منصرف است و دیگر هیچ لازم نیست که بنویسند حقوق انتظار خدمت یا حقوق تقاعد نمیدهند وقتی که منصرف شد نه حقوق حالی را میدبرند نه حقوق قبلی را نه حقوق انتظار خدمت را و نه حقوق تقاعد را علاوه مجازاتش را هم که قانون معین کرده است مطابق آن مجازات میشود این يك تعقیدی است عرض کردم اگر آقایان بخواهند مفهوم این ماده را بفرمایند آن مأمور هم قبول نمیکند میکوید من سرکار هستم هر وقت منصرف شدم شما حقوق انتظار خدمت بمن ندهید این تعقید است گنایم من این است که يك تقصیری هم در ماده ۱۱ است چون حساب جمع و خرج هم در خزانه داری باید بشود همین قسمی که برای مأمور جمع مجازاتی معین کردیم اگر محاسبی هم از دادن صورت حساب یا تصفیه حساب مساعجه کرد اگر بخواهند در این قسمت هم اختیار خزانه دار را زیاد کنند من حرف ندارم که آن را هم ردیف این کنند همانطور که اگر مأمور وصولی مساعجه و استنکاف کرد این مجازات را دارد که منصرف خواهد شد آن محاسب هم اگر مساعجه از دادن صورت حساب و تصفیه حساب کرد منصرف میشود. این برای مقصودی که شما دارید گنایم این است اوفی باشد. خوبست يك دفعه دیگر بفرمائید بخواهند (خطاب بوزیر مالیه) گوش بدهید که عوائی حرف نزنید.

(پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

وزیر مالیه - عرض کنم این نظری که بطور کلی آقای مدرس فرمودند که این ماده مبهم و باین ترتیب در قانون خزانه داری منظور است خیلی صحیح است ولی اگر بهمان نقطه درست توجه بفرمایند آنوقت تصدیق خواهند فرمود که این قسمت پیشنهاد خودشان کاملاً تطبیق نمیکند با این نظر کلی که آقا دارند. انفصال لازمه محاکمه است بدون محاکمه يك مأموری را خواه محاکمه اداری باشد خواه غیر اداری نمی شود منصرف کرد....

مدرس - سلب حق انتظار خدمت هم نمیشود کرد وزیر مالیه - بموجب قانون استخدام هر مستخدمی که طرف سوء ظن واقع شود قانون استخدام اجازه داده است که نظر بمقتضیات اداری او را منتظر خدمتش کنند برای همین کار هم این در قانون استخدام ذکر شده است. حالا اینجا ما خواستیم مسئله تشدید بشود که خزانه داری که مسؤل جمع آوری وجوه است که پرسنل و صاحبان جمع در تحت نظر او هستند بموجب این ماده قانون اختیار داشته باشد یعنی گذشته از آن اختیاری که قانون استخدام بوزیر میدهد خزانه دار هم بموجب این ماده قانون اختیار داشته باشد که اگر يك مأموری استنکاف کرد از پرداخت يك وجهی که گرفته مثلاً فرض کنید يك مأمور بلدیة محلی این را بعنوان مثال عرض میکنم برای اینکه الان مورد دارد و تحت محاکمه است. رئیس بلدیة باین شکل يك پولی گرفته که باید بدهد بصندوق خزانه این را نداد. کسی هم متذکر نشده ملتفت نشده دوسال بعد رسیدگی شده و بموجب يك تقنینی معلوم شد که این را باید بدهد نداده است. ما این را تعبیر بمساعجه می کنیم برای اینکه نخواسته بودند که استنکاف کنند. يك وقت دیگر هم هست که مثلاً بگویند فلان پول را بده او استنکاف کند ولی این نظائرش خیلی کم است آنوقت در این موارد

محاکمه و منفصل میشود و مطابق همان مجازاتهایی که در این ماده مذکور است مجازات میشود. و از این نقطه نظر اداره هم میتواند حقوق انتظار خدمت بار ندهد و الا هر منتظر خدمتی بموجب قانون اگر در حدود صدی پنج باشد حق دارد که حقوق انتظار خدمت بگیرد و نمیشود او را محروم کرد اما اگر این ماده باشد از نقطه نظر اداری بک کسی که این وضعیت را دارد و منتظر خدمتش میکنند و ارجاع محاکمه میکنند ممکن است شش ماه یکسال طول بکشد چون محاکمه است استنطاق است عدلیه است باید برود و بیاید بموجب این ماده قانون وقتی که تصویب شد این مجازات در باره او اعمال میشود حالا اگر آقایان بخواهند آقای باسائی يك یادداشتی به بنده نوشته بودند و شاید آن نظری که ایشان دارند و پیشنهاد کرده اند بهتر مطلب را روشن کنند ایشان تحقیق و استمراج کرده بودند که در آخر این ماده نوشته شود که مطابق قانون جزائی مملکت مجازات خواهد شد برای روشن کردن مقصود ماده باید این را نوشت بعقیده بنده مطلب همین است و اگر موافق باشند با نوشتن این قسمت و طلب روشن میشود بنده کاملاً موافقم ولی آن پیشنهادی که آقا میفرمایند بعقیده بنده صحیح نیست برای اینکه بدون محاکمه نمیشود کسی را منفصل کرد مدرس - بدون محاکمه حقوق انتظار خدمتش را هم نمیشود نداد

وزیر مالیه - چرا حقوق انتظار خدمت يك چیزی است که بموجب این اجازه که شما در این ماده میدهید چون جزئی است اگر این آدم محاکمه و تبرئه شد حق او باو اعاده میشود و این اقدام را میشود کرد و خیلی خوبست نسبت بحساب که فرمودند این جا ملاحظه میفرمائید این قانون قانون خزانه و خزانه داری است و مأمورین محاسبه و حساب مربوط بخزانه نیست در ماده ۱۰ ملاحظه فرمائید

مدرس - ماده بازده

لوکر مملکت اگر دزدی کنی از نوکری خارج میشود این ظلم نیست. امیدوارم که این پیشنهاد را قبول کنند که جلو گیری از اختلاسات بشود که شاید روزی هم ما روی سعادت و ترقی را به بینیم و از این ذلت خارج شویم.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع - بعقیده بنده برای مأمور مختلس مجازاتهایی که لازم بود نوشته شده ایشان علاوه کرده اند بر آن مجازاتها مجازاتهای عمومی را این مأمور آمد پنج تومان پول دزدی کرد پول را ازش گرفتند مجازاتش هم کردند بعد از دو سال سه سال دیگر آمد در اداره راه آهن مستخدم شد و ماهی پنج تومان بهش دادند که برود بازن و بچه اش بخورد. چرا نخورد؟ اگر آن روز تقصیر کرده و مجازاتش حبس بوده حبس شده وقتی که چندین سال حبس شد و پس از يك مدتی آمد يك کار کوچک پنج تومانی در ماه قرار شد بهش داده شود که ارزاق کند چرا ممنوع باشد؟ تمام اینها را بایستی مقنن پیش بینی کند بجهت اینکه شاید او از گرسنگی بمیرد ما برای او يك حقوقی معین میکنیم که روزی دو قران باو بدهند دزد هم که دیگر نباید بمیرد او هم باید زندگی کند و گمان میکنم این اندازه شدت هم لازم نیست و همینقدر کافی است.

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای باسائی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در سطر ۴ ماده ۹ نوشته شود و مطابق قوانین جزائی مملکت نیز محاکمه و مجازات خواهد شد.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - بنظر بنده دو نوع مجازات در این ماده پیش بینی شده يك نوع مجازات اداری و بکنوع مجازات عمومی. مجازات اداری که در خود وزارت مالیه بعمل می آید و رسیدگی در همان جا میشود که بالاخره منتهی باین میشود که حقوق انتظار خدمت بهش ندهند یا حقوق تقاعدش را ندهند. ولی این که محکوم بشود بمجازاتهایی که در قانون جزا پیش بینی شده مجازات تخلف از قانون آن باید در عدلیه رسیدگی بشود و محتاج محاکمه است و بنظر بنده اینطور رسیدگی که تصریحی لازم است و باید نوشته شود علاوه بر اینکه از حقوق انتظار خدمت و تقاعد محروم خواهند ماند و وزارت مالیه او را محاکم عمومی هم ارجاع میکنند که محاکمه کنند مطابق قانون جزا محکوم کنند علت اینکه کله (محاکمه) را در این جا بنده پیشنهاد میکنم برای این است که محروم کردن از حقوق انتظار خدمت یا حقوق تقاعد يك چیز اداری است و محاکمه عمومی لازم ندارد، عدلیه نمیشود. وزارت مالیه هم میتواند این حکم را بدهد ولی محکوم شدن بمجازاتی که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است محاکم عدلیه باید رسیدگی کنند و بر طبق رسیدگی عدلیه باید حکم صادر شود باین جهت بنده این را پیشنهاد کردم که تصریح شود.

مخبر - بنده با توضیح مقدمه توضیحشان قبول می کنم و آن این است که منتظر خدمت یا ممنوع کردن از حقوق انتظار خدمت البته بدون مجوز قانونی نخواهد بود منتهی بموجب قانون وزارت مالیه و بر طبق قوانین دیگری ممکن است او را منتظر خدمت کنند یا از حقوق انتظار خدمت محروم کنند و الا بدون مجوز قانونی ممکن نیست و بنده این را قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۹ - هر مأمور و مستخدم صاحب جمعی که بر خلاف مدلول این قانون از تحویل عوائد وصولی خود

بجزانه داری کل استنکاف یا مسامحه نماید از اخذ حقوق انتظار خدمت و وظیفه تقاعد که بر طبق قانون استخدام کشوری ذبح می شود محروم خواهد شد در صورتیکه تخلفات مأمورین یا جناحه و جنایاتی توأم باشد مجازات فوق مانع از تعقیب آنان در محاکم عمومی نخواهد بود
رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - عرض کنم این جا يك مذاکرانی شده که بنده لازم میدانم بواسطه اهمیت این ماده توجه آقایان را جلب کنم. و آن این است که اساساً نسبت به قسمت اول مجازات باید محاکمه شود یا نه؟ یعنی در صورت تحقق استنکاف و مسامحه محاکمه لازم است یا خیر؟ البته بدیهی است که لازم است ولی چیزی که هست باید تفکیک کرد یعنی دو مجازات قائل شد آن قسمتی که مستلزم مجازات اداری است در نتیجه محاکمه اداری مجازات میشود و آن قسمت عبارت است از مجازاتی که در نتیجه مسامحه استنکاف که فقط جنبه اداری داشته باشد بعمل خواهد آمد یعنی اگر يك مأموری استنکاف یا مسامحه کند از پرداخت وجوهی که جمع او است محکمه اداری حکم میدهد این يك قسمت است. يك دفعه این است که در نتیجه استنکاف و مسامحه يك چیز های دیگری هم هست یعنی مسلم شد که او نظرش خوردن است یا اختلاس است یا حیف و میل کردن است آن وقت است که توأم یا جنبه جنایاتی میشود و باید برود به محکمه بنا بر این بنده پیشنهاد خودم را اینطور تنظیم کردم: قسمتی که مربوط است بجرم اداری مجازاتش همان است که نوشته شده: محرومیت از وظیفه تقاعد و حقوق انتظار خدمت که در حدود صلاحیت محکمه اداری است ولی اگر محکمه اداری تشخیص داد که موضوع جنبه جنایاتی است فوراً باید این را ارجاع بکنند به محکمه و مجازاتی که عبارت از محرومیت از وظیفه تقاعد یا انتظار خدمت باشد مانع از تعقیب جنایاتی او در عدلیه نیست در صورتی که آن ماده طوری

نوشته شده که مفهوم میشود که خود این مجازات اداری هم مجازات عمومی است یعنی نوشته شده است که علاوه بر این مجازات اداری در محکمه عمومی هم تعقیب خواهد شد باین مناسبت است که بنده تجزیه کردم که هیچوقت مورد اشکال و وسیله سوء نظام یا اعمال غرضی واقع نشود. قسمت اداری را در محکمه اداری حکم کنند و در صورتیکه موضوع جناحه و جنایاتی باشد رجوع شود به محکمه عدلیه
مخبر - یکمرتبه دیگر قرائت شود.
(پیشنهاد مزبور مجدداً خوانده شد)

وزیر مالیه - اصل این فکر صحیح است یعنی دو مجازاتی که در این قانون منظور شده محرومیت از حقوق انتظار خدمت و پرداخت وظیفه تقاعدی است و قبلاً در قانون استخدام در ضمن مجازات های اداری که از صلاحیت محاکم اداری است همچو چیزی پیش بینی شده بود. حالا در مجازات جدیدی است برای تکمیل آن مجازات. این فکر صحیح است و ماده هم همین را تا آنجا میرساند قسمت اخیر که نوشته است: (و مطابق قوانین جزائی مملکت نیز مجازات خواهد شد) اولاً همین عبارت هم طوری نیست که مفهومش این باشد که بمجرد اینکه آن مجازاتها را شد دیگر مانع از تعقیب است. ثانیاً مسلم است که مطابق قانون استخدام کشوری این مسئله مصرح است که محکمه اداری قبل از اینکه تشخیص بدهد که يك جرمی جنبه جزائی و جنائی دارد ارجاع به محاکم عمومی نمیکند. این مطلب بموجب قانون دیگری مصرح است که هر وقت محکمه اداری برای رسیدگی به يك جرمی تشکیل بشود قضاة آن محکمه اداری مکلفند مطابق قانون استخدام به مجرد اینکه دیدند يك جنبه جزائی یا جنائی پیدا شد مطلب را مراجعه بمحاکم عمومی بدهند این قسمت محتاج بتصریح نیست فقط اینجا يك اختلاف نظری ممکن است بین آقای شریعت زاده و ما از نقطه نظر فهم این ماده پیدا شود و این جا

لازم است بحث شود و آن این است که همین قدر که مجرد استنکاف در محکمه اداری معلوم شد این ماده آنرا یکی از موارد جزائی یا جنائی میکند یا نه؟ اصل مطلب این است که ما میخواهیم استنکاف خودش جزائی و جنائی باشد و بموجب این ماده محاکم عدلیه، پارکها، وقتی که يك کسی را ما فرستادیم بعنوان مستنکف و معلوم هم کردیم که استنکاف کرده او را تعقیب کنند. در قانون مجازات عمومی يك موادی است راجع به تخلف از اجرای قانون و آن مواد شامل حال هر نوع تخلفی نسبت بقوانین میشود. وقتی که ما این ماده را باین ترتیب نوشتیم خواسته ایم تشدید بکنیم و آن موادی که در قانون مجازات عمومی است بدون اشکال شامل حال این اشخاص بشود. حالا چون مسئله قدری دقیق است و آقای شریعت زاده هم مطلب را از این نقطه نظر بحث کردند بنده مضایقه ندارم و اگر آقای مخبر محترم و اعضاء کمیسیون بودجه میل داشته باشند این ماده با پیشنهادها بیاید بکمیسیون و چون در کمیسیون ما مواد دیگری هم داریم و مشغول مطالعه هستیم مطلب را يك قدری روشن تر میکنیم (و چون مسئله جزائی است البته بیشتر مطالعه میشود) بعد

میآید بمجلس
مخبر - بنده موافقت می کنم که پیشنهاد آقای شریعت زاده و سایر پیشنهادها بیاید بکمیسیون
رئیس - ماده دهم
(شرح ذیل قرائت شد)
ماده دهم - تعیین ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه که عهده دار وصول عواید مملکتی و یا متصدی پرداخت مخارج میباشد بارعایت مقررات قانون استخدام به پیشنهاد خزانه دار کل در حدود قوانین مملکتی انجام خواهد گرفت
در صورتیکه در مورد تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین مزبور وزارت مالیه یا کفیل وزارت

مالیه بایستند خزانة دار موافقت نماید و انتقال عضوی را وزیر مالیه یا کفیل آن لازم بداند خزانة دار موافقت نمایند موضوع بهیئت وزراء مراجعه شده و با حضور خزانة دار تصمیم متخذ قطعی خواهد بود
رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - موافقم
رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - عرضی ندارم
روحی - مخالفی - نیست
رئیس - مخالفی ندارد؟
کازون - بنده عرض دارم
رئیس - بفرمائید

کازون - عبارت پیش بنده يك قدری ابهام دارد میخواستم آقای وزیر مالیه توضیح بدهند که رفع این ابهام بشود و آن این است که میگوید مستخدمین وزارت مالیه که عهده دار وصول عواید مملکتی و یا متصدی پرداخت مخارج می باشند بعهده من تمام مستخدمین وزارت مالیه این دو شغل را بالاخره دارند حالا مقصود مأمورین يك ادارتی است یا يك صفت مخصوص در يك اداره مخصوصی. پس این جا توضیح بدهند که اسباب ابهام نباشد

مخبر - عرض کنم مثلاً فلان خوشنویس که کاغذها را پاکنویس میکند چه مسؤولیتی دارد مثل بکنفر صاحب جمع مسؤولیت دارد. مشاغل باهم فرق دارد و مخصوصاً توضیح داده شده است که يك طبقه از مستخدمین مالیه باید مشمول این ماده واقع شوند
رئیس - مخالفی ندارد؟
(گفته شد خیر)
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.
(بمضمون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم در آخر قسمت دوم از ماده دهم اضافه

شود و باید دلایل طرفین در صورت اختلاف و قطع و فصل آن از طرف هیئت وزراء کتباً باطلاع اعضاء مجلس شورای ملی برسد. تقی زاده

رئیس -- آقای تقی زاده

تقی زاده -- بنده توضیح زیادی ندارم و این پیشنهاد را در دو ماده دیگر ماده ۴ و ۵ هم کرده بودم برای اینکه اینجا گفته شده است که هر اختلاف نظری که پیش بیاید توسط هیئت وزراء قطع میشود البته باین اعتراض ندارم ولی برای روشن شدن مطلب همیشه بهتر است که دلائل طرفین منتشر شود و یا اقلاباطلاع نمایندگان ملت برسد و مخصوصاً در اینجاده خیلی مهم است برای اینکه اساساً تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و غیره را خزانه دار برعهده خواهد داشت ولی برای اینکه يك موقع استثنائی هم پیش میآید که وزارت مالیه با مقامات بالا از خزانه دار نظری داشته باشند در اینجا حق مداخله بانها داده میشود ولی عقیده بنده این است که این نوع اختلافات اگر علنی و عمومی نباشد و دلائل طرفین منتشر نشود ممکن است که مکرر اتفاق بیفتد و در مواقعی اتفاق بیفتد که شاید مجلس و افکار عامه اگر مطلع شود این نوع اختلاف پیش نیاید با اقلابحقانیت هر طرفی برای آنها واضحتر شده باشد لذا تصور میکنم که هیچ عیبی ندارد که بعد از آنکه در هیئت وزراء قطع و فصل شد دلائل طرفین باطلاع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد. این خلی هم در اختیارات وزیر مالیه و اختیارات خزانه دار وارد نمیآورد ولی مانع از بعضی سوء استفادهها در بعضی موارد میشود که بنده نمیخواهم آن موارد را فعلاً توضیح بدهم

وزیر مالیه -- همینطور که اظهار فرمودند طرز پیشنهادی که کرده اند تزیینی است که شاید ظاهراً خلی بوظایف قوه مجریه و مسؤولیت وزراء و هیئت وزراء نرساند ولیکن يك معایب دیگری دارد که یکی را بیشتر بنده عرض نمی کنم که نتیجه تجربه است. اغلب

توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای فهیمی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم جمله آخر ماده ۱۰ بطریق ذیل اصلاح شود

بجای باحضور خزانه دار نوشته شود پس از اصفای توضیحات خزانه دار تصمیم متخذ قطعی خواهد بود

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی -- بنده بر خلاف نظر آقای تقی زاده هیچ عقیده ندارم که مستخدمین خارجی در این مملکت يك قوه رسمی در مقابل دولت واقع شوند که مجلس بخواهد در کار آنها دخالت کند اینها مستخدم هستند نه در سیاست باید داخل شوند نه در انتخابات نه چیزهای دیگر لکن این جمله را که اینجا نوشته اند تصمیم متخذ با حضور خزانه دار قطعی خواهد بود معلوم نیست خزانه دار برای چه در آنجا میآید. باید ساکت بنشیند؟ باید حرف بزند؟ حضور تنها کافی نیست باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که پس از اصفای توضیحات خزانه دار تصمیم متخذ قطعی خواهد بود برای اینکه این عبارت يك حقی میدهد که او هم يك توضیحاتی بدهد و دولت آن وقت ممکن است قبول کند ممکن است رد کند

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- موافقم

مخبر -- بنده قبول میکنم

رئیس -- پیشنهاد آقای احتشامزاده

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بآخر ماده ده اضافه شود

تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین اداره محاسبات کل هم بشرح فوق با پیشنهاد رئیس اداره

محاسبات کل انجام خواهد شد

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- در اینجا تکلیف اعضاء اداره خزانه و مأمورینی را که برای وصول عوائد معین میشوند معین کرده است ولی برای اعضاء اداره محاسبات کل که بعقیده بنده این اداره هم يك اداره خیلی مهمی است و همین نظر برای این اداره هم متخصص از اروپا استخدام میشود تکلیفی معلوم نشده لذا عقیده بنده این است که برای اعضاء اداره محاسبات کل هم در این قانون يك اشاره بشود این است که در آخر ماده اجلاً اشاره کردم که تعیین و ترقی و انتقال و عزل و نصب اعضاء اداره محاسبات کل هم با پیشنهاد رئیس اداره محاسبات کل و البته با رعایت مقررات قانون استخدام مملکتی خواهد بود

مخبر -- پیشنهاد آقای احتشام زاده اگر تغییری داده شود که اینجا ما تمام مستخدمینی را که از خارج دعوت میکنیم دخالت در عزل و نصب اعضاء ندیم همانطور که بخود ایشان هم عرض کردم ممکن است قبول کنیم ولی اگر چنانچه بنده رئیس تقنینی یا فلان مقتضی اختلاف نظر پیدا کند یا اینکه اعضاء محاسبات کل را رئیس محاسبات یا يك عده اعضاء دیگر را دیگری پیشنهاد کند و هر روز اختلاف نظریین وزیر رؤسا واقع شود صلاح نیست و همانطور که هشان عرض کردم اگر باین اعضاء محاسبات کل هم افزوده شود که وزیر مالیه باینکنفر طرف باشد ممکن است قبول کرد

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- آقای شیروانی بنده عقیده ندارم که يك وزیر مالیه هر ساعت با یکی طرف باشد یکی خزانه داری. یکی رئیس تقنینی یکی رئیس محاسبات یکی رئیس مالیه آقایان این اندازه ما نباید می هر روز برای خودمان آقا بالاسر درست کنیم آن چیزی که مورد سوء ظن واقع شود نسبت به ابدان مملکتی است ما عواید مملکتی را کاملاً تحت نظر خزانه دار قرار دادیم

و خزانه دار را هم مامور وصول و ایصال قرار دادیم از هر طرف بقول آقای شیروانی که گاهی صحبت میدارد يك سبب آهنگین قرار دادیم. حالا این سدر را زبان یا جوج و ما جوج خراب کند من نمیدانم ولی مطابق قانون ما يك سدی دور خزانه کشیده ایم. حالا بیاییم بگوئیم رئیس محاسبات هم باید استقلال داشته باشد اعضایش را عزل و نصب کند؟ مفتش همینطور؟ مستشار همینطور؟ بنده مخالفم باین اندازه ما نباید وزیر مالیه را دست و پایش را ببندیم

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. رای گرفته میشود ماده دوم با اصلاحی که آقای فهیمی دادند و آقای مخبر هم قبول کردند آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده بازدم

(مضمون ذیل خوانده شد)

ماده بازدم - محاسبه جمع و خرج عوائد مملکتی اعم از نقدی یا جنسی در خزانه داری کل نگاهداری شده و تمرکز مییابد و همیشه برای ملاحظه مفتشین که مامور رسیدگی آن میشوند حاضر خواهد بود

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس -- مخالفی ندارد ؟

(گفتند خیر)

رئیس -- رای گرفته میشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. ماده دوازدهم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوازدهم - خزانه داری کل مکلف است در موعد مقرر پیش بینی عواید سال بعد را بداره محاسبات بفرستد تا مأخذ اعتباری که در حدود آن بودجه مملکتی تهیه خواهد شد معلوم باشد و همچنین خزانه دار مکلف است در موعد مقرر صورت محقق عوائد وصول شده و مخارج پرداختی مملکتی را بداره محاسبات ارسال و رئیس محاسبات کل مالیه مکلف خواهد بود لایحه تفریح بودجه را تهیه و مقاصد مأمورین صاحبجمع بدهد

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - خواستم اینجا توضیحی آقای وزیر مالیه بدهند و او مطابق قانون اساسی و قانون محاسبات عمومی موعد مقرر را معین کرده لیکن در این قانون خواستم ببینم نظر آقای وزیر مالیه چیست چون اینجا نوشته « خزانه داری کل مکلف است در موعد مقرر پیش بینی عواید سال بعد را بداره محاسبات بفرستد » آیا نظر شائب بهمان ماده بیستم قانون اساسی است که ششماه قبل از سال بعد موقع تهیه بودجه است یا مطابق قانون دیوان محاسبات که مثلاً در خرداد امسال که باید مخارج بارسال را داد آنست ؟ این را توضیح کنید که معلوم شود موعد مقرر چه در میآید

وزیر مالیه - اینجا دو موعد است یکی برای تهیه بودجه یکی هم برای لایحه تفریح بودجه هر دورا قوانین معین کرده تهیه بودجه موعده ششماه قبل از سال است مثلاً ششماه به ۱۳۰۷ مانده پیش بینی عوائد ۳۰۷ است و لایحه تفریح بودجه موعد تقدیمش برای بازده ماه بعد از سال عمل است و در آن موعد باید حاضر شود اینها را قوانین دیگر معین کرده است

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی - بنده يك اصلاح عبارتی دارم اینجا در آخر ماده نوشته شده است « رئیس محاسبات کل مالیه مکلف خواهد بود لایحه تفریح بودجه را تهیه و مقاصد مأمورین صاحب جمع بدهد » این دو جمله مقدم و مؤخر است بابتی پس و پیش شود اول باید مقاصد را مأمورین صاحب جمع بدهند بعد لایحه تفریح بودجه رسیدگی کنند زیرا بعضی از مأمورین در ضمن دوره عمل مدت مأموریتشان ختم میشود و باید بآنها مقاصد داد نمیشود آنها را معطل کرد تا موقع تقدیم لایحه تفریح بودجه اگر این دو جمله را پس و پیش کنند بنظر بنده بهتر است.

مخبر - عرض کنم که این دو وظیفه علیحده است که هم در محاسبات کل واگذار شده و اگر نظر آقای فهیمی را ما قبول کنیم هر وقت بپرسیم لایحه تفریح بودجه کجاست میگویند هنوز مقاصد مأمورین داده نشده و این يك بهانه میشود لایحه تفریح بودجه را مکلف هستند تهیه کنند و مجلس بفرستند مقاصد را هم مکلف می کنیم بدهند

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

(بعضی از نمایندگان -- کافی است)

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای نامداد

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده دوازده اضافه شود « و همچنین مأمورین صاحبجمع مکلفند که بمؤدیان مالیاتی مقاصد بدهند »

رئیس -- آقای نامداد

نامداد عرض کنم این واضح است که این ماده منفع هیئت دولت است قسمتهائی است که راجع است بدولت از آن طرف هم باید فکری برای مردم کرد مقاصد بمؤدیان مالیات

دادن علاوه بر اینکه سبب آسایش آنها میشود که دائماً گرفتار نیستند هر ساله و مخصوصاً در موقع تبدیل و تغییر امنای مالیه خود این مقاصد ها يك اسناد ملکی میشود تا موقعی که ما ثبت اسناد نداریم تکلیف املاک معین نیست خودش يك اسناد ملکی است باین جهت بنده پیشنهاد کردم حالا بسته بنظر آقایان است

مخبر - يك مرتبه دیگر خوانده شود

(مجدداً خوانده شد)

وزیر مالیه - اینجا مؤدی مالیات که میدویند مقاصد بدهند این هیچ معلوم نیست چیست برای اینکه هیچ مؤدی مالیات مالیات نمیدهد بدون اینکه قبض بگیرد و الا آن قبوضی که ترتیب داده شده است برای پرداخت مالیات چهار نسخه چاپی است يك شکل مخصوص که از هر قبضی چهار نسخه صادر میشود یکی بمؤدی داده میشود یکی بمحاسبات یکی بنخزانه یکی هم در دفتر صاحبجمع است این خودش مقاصد است مقاصد دیگری مانداریم آن مقاصدی که بترتیب سابق میشد آن يك حساسهای دیگری بود و مؤدیان مالیات يك معاملات با دولت داشتند و يك جمع و خرجهای دیگری داشتند او صورت محاسبه پیدا میکرد مقاصد را باید در مقابل محاسبه داد اما در مقابل بده مالیات باید قبض داد خود آن قبض مقاصد است دیگر محتاج بذکر در قانون نیست هیچ ممکن نیست مالیات گرفته شود بدون قبض اصلاً مؤدی بدون قبض نباید پردازد هیچ مؤدی مالیاتی ناقبض بهش ندهند مالیات نمیدهد بملاوه ما به همه جا اعلان کردیم در مقابل قبوض رسمی مالیات بدهند و در مقابل قبوضیکه غیر از آن قبوض رسمی باشد نباید مالیات داد یکی از جرائم معمولی این است که گاهی قبوض غیر رسمی صادر میکنند و هر وقت چنین چیزی صادر کنند ما اینها را اختلاس فرض می کنیم باین نظر اگر در اینجا ذکری از مقاصد نکنیم بهتر است

رئیس -- رای می گیرم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

توجه میدانند قیام فرمایند

و خزانه دار را هم مأمور وصول و ایصال قرار دادیم از هر طرف بقول آقای شبروانی که گاهی صحبت میدارد يك سگ آهنین قرار دادیم. حالا این سگ را زبان یا جوج و ما جوج خراب کنند من نمیدانم ولی مطابق قانون ما يك سدی دور خزانه کشیده ایم. حالا بیائیم بگوئیم رئیس محاسبات هم باید استقلال داشته باشد اعضایش را عزل و نصب کند؟ مفتش همینطور؟ مستشار همینطور؟ بنده مخالفم باین اندازه ما نباید وزیر مالیه را دست و پایش را ببندیم

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. رای گرفته میشود بماده دهم با اصلاحی که آقای فهیمی دادند و آقای مخبر هم قبول کردند آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده بازدم

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده بازدم - محاسبه جمع و خرج عوائد مملکتی اعم از نقدی یا جنسی در خزانه داری کل نگاهداری شده و تمرکز مییابد و همیشه برای ملاحظه مفتشین که مأمور رسیدگی آن میشوند حاضر خواهد بود

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس -- مخالفی ندارد ؟

(گفتند خیر)

رئیس -- رای گرفته میشود آقایانیکه تصویب میکنند

قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. ماده دوازدهم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوازدهم - خزانه داری کل مکلف است در موعد مقرر پیش بینی عواید سال بعد را باداره محاسبات بفرستد تا مأخذ اعتباری که در حدود آن بودجه مملکتی تهیه خواهد شد معلوم باشد و همچنین خزانه دار مکلف است در موعد مقرر صورت محقق عوائد وصول شده و مخارج پرداختی مملکتی را باداره محاسبات ارسال و رئیس محاسبات کل مالیه مکلف خواهد بود لایحه تفریح بودجه را تهیه و مفاسد مأمورین صاحبجمع بدهد

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - خواستم اینجا توضیحی آقای وزیر مالیه بدهند ولو مطابق قانون اساسی و قانون محاسبات عمومی موعد مقرر را معین کرده لیکن در این قانون خواستم ببینم نظر آقای وزیر مالیه چیست چون اینجا نوشته « خزانه داری کل مکلف است در موعد مقرر پیش بینی عواید سال بعد را باداره محاسبات بفرستد » آیا نظر شائب بهمان ماده بیستم قانون اساسی است که ششماه قبل از سال بعد موقع تهیه بودجه است نامطابق قانون دیوان محاسبات که مثلاً در خرداد امسال که باید مخارج پارسال را داد آنست ؟ این را توضیح کنید که معلوم شود موعد مقررش چه در میآید

وزیر مالیه - اینجا دو موعد است یکی برای تهیه بودجه یکی هم برای لایحه تفریح بودجه هر دورا قوانین معین کرده تهیه بودجه موعدش ششماه قبل از سال است مثلاً ششماه به ۱۳۰۷ مانده پیش بینی عوائد ۳۰۷ است و لایحه تفریح بودجه موعد تقدیمش برای بازده ماه بعد از سال عمل است و در آن موعد باید حاضر شود اینها را قوانین دیگر معین کرده است

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی - بنده يك اصلاح عبارتی دارم اینجا در آخر ماده نوشته شده است « و رئیس محاسبات کل مالیه مکلف خواهد بود لایحه تفریح بودجه را تهیه و مفاسد مأمورین صاحب جمع بدهد » این دو جمله مقدم و مؤخر است بایستی پس و پیش شود اول باید مفاسد را بمأمورین صاحب جمع بدهند بعد لایحه تفریح بودجه رسیدگی کنند زیرا بعضی از مأمورین در ضمن دوره عمل مدت مأموریتشان ختم میشود و باید بآنها مفاسد داد نمیشود آنها را معطل کرد ناموقع تقدیم لایحه تفریح بودجه اگر این دو جمله را پس و پیش کنند بنظر بنده بهتر است.

مخبر - عرض کنم که این دو وظیفه علیحده است که بماده محاسبات کل واگذار شده و اگر نظر آقای فهیمی را ما قبول کنیم هر وقت بپرسیم لایحه تفریح بودجه کجاست میگویند هنوز مفاسد مأمورین داده نشده و این يك بهانه میشود لایحه تفریح بودجه را مکلف هستند تهیه کنند و مجلس بفرستند مفاسد را هم مکلف می کنیم بدهند

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

(بعضی از نمایندگان -- کافی است)

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای بامداد

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده دوازده اضافه شود « و همچنین مأمورین صاحبجمع مکلفند که بمؤدبان مالیاتی مفاسد بدهند »

رئیس -- آقای بامداد

بامداد - عرض کنم این واضح است که این ماده بمنفع هیئت دولت است قسمتهائی است که راجع است بدولت از آن طرف هم باید فکری برای مردم کرد مفاسد بمؤدبان مالیات

دادن علاوه بر اینکه سبب آسایش آنها میشود که دائماً گرفتار نیستند هر ساله و مخصوصاً در موقع تبدیل و تغییر امنای مالیه خود این مفاسد ها يك اسناد ملکی میشود تا موقعی که ما ثبت اسناد نداریم تکلیف املاک معین نیست خودش يك اسناد ملکی است باین جهت بنده پیشنهاد کردم حالا بسته بنظر آقایان است

مخبر - يك مرتبه دیگر خوانده شود

(مجدداً خوانده شد)

وزیر مالیه - اینجا مؤدی مالیات که میدویسد مفاسد بدهند این هیچ معلوم نیست چیست برای اینکه هیچ مؤدی مالیات مالیات نمیدهد بدون اینکه قبض بگیرد و الا آن قبوضی که ترتیب داده شده است برای پرداخت مالیات چهار نسخه چاپی است يك شکل مخصوص که از هر قبضی چهار نسخه صادر میشود یکی بمؤدی داده میشود یکی محاسبات یکی بخزانه یکی هم در دفتر صاحبجمع است این خودش مفاسد است مفاصای دیگری مانداریم آن مفاصائی که بترتیب سابق میشد آن يك حساسهای دیگری بود و مؤدبان مالیات يك معاملات با دولت داشتند و يك جمع و خرجهای دیگری داشتند او صورت محاسبه پیدا میکرد مفاسد را باید در مقابل محاسبه داد اما در مقابل بده مالیات باید قبض داد خود آن قبض مفاسد است دیگر محتاج بذكر در قانون نیست هیچ ممکن نیست مالیات گرفته شود بدون قبض اصلاً مؤدی بدون قبض نباید بپردازد هیچ مؤدی مالیاتی ناقبض بهش ندهند مالیات نمیدهد بعلاوه ما به همه جا اعلان کردیم در مقابل قبوض رسمی مالیات بدهند و در مقابل قبوضیکه غیر از آن قبوض رسمی باشد نباید مالیات داد یکی از جرائم معمولی این است که گاهی قبوض غیر رسمی صادر میکنند و هر وقت چنین چیزی صادر کنند ما اینها را اختلاس فرض می کنیم باین نظر اگر در اینجا ذکری از مفاسد نکنیم بهتر است

رئیس -- رأی می کریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. آقای دهستان پیشنهادش تقریباً همین است

دهستانی - فرق دارد

(پیشنهاد آقای دهستان شرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را بماده ۱۲ اضافه میکنم

تبصره - امنای مالیه مکلف خواهند بود که در آخر هر سال مفاسد حساب مجزو معین از جمع و خرج از اداره محاسبات تحصیل نموده و محاسبه مؤدیان محلی را تفریغ و مفاسد حسابی که جمع و خرج آن اسماً و رسماً معلوم باشد بانها تفویض نمایند

رئیس - آقای دهستان

دهستانی - بنده اطلاعاتی که دارم بعرض میرسانم آقای وزیر مالیه هم التفات کنند اگر دیدند صلاح نیست ممکن است پس بگیریم. عرض کنم وقتی که مفاسد حساب بدست مؤدیان مالیات داده شد مأمورین مالیه ناچارند از آنچه که وصول کرده اند سند بدست طرف بدهند و نسخه همان مفاسد را از طرف میگیرند و در دوسیه دولت ضبط میشود ولی اگر مفاسد حساب ندهند و قبوضات شخصی خودشان را بدهند الان يك قبضی است اینجا آقای وزیر مالیه اگر میخواهند خدمتشان ارائه می دهیم بکنفر تحصیلدار قریب صد تومان از يك بده کار می گیرد و در آنجا می نویسد که من آنقدر از طلب دولت را گرفتم هر وقت دولت خواست بدهم. فکرش را بکنید. ولی اگر مفاسد باشد در آخر سال مؤدی مالیات آن قبض را میبرد و او ناچار است که يك سند رسمی بدست آن مؤدی بدهد و امین مالیه هم ناچار است که این محاسبه را در دفاتر خودش وارد کند اگر مفاسد نباشد بقایا را مأمورین مالیه خودشان حیف و میل میکنند و اینکه اظهار می شود اختلاس شده این اختلاسهها از آن پولهای موجود است که خودشان هم اقرار دارند که گرفته ایم موضوع

بکشید نحت محاکمه وقتی که مسلم شد قبض شخصی داده است چهارناشان که مجازات شدند تمام میشود دیگر بنده تصدیق میکنم در محل خود بنده هم این عملیات میشده است و شده است ولی باید جلوش را گرفت. وقتی که دوسه فقره را جلوگیری کردیم قانون را اجرا کردیم این خراب کاریها از بین می رود اما اگر ما از طرفی مسامحه کردیم در نظارت در اجرای قانون و از طرفی هم اندازه تمام کتابهای دنیا قانون وضع کنیم جلوی این عملیات را نخواهد گرفت

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید بعقوب

(شرح آتی قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم مأمورین وصول مکلفند قبض رسید بمؤدیان مالیاتی بدهند

رئیس - آقای آقا سید بعقوب

آقا سید بعقوب - يك موضوعی را که مجلس مینویسد می تواند مؤاخذه از دولت بکند یعنی قوانینی را که خود مجلس می گذراند می تواند مؤاخذه کند حالا آقای وزیر مالیه شاید بفرمایند ما در وزارتعالیه نظامنامه نو این باب داریم ولی نمیتوان بآن نظامنامه رسمیت قانونی داد و از آن حیث سؤال کنیم بنده می دانم که مأمورین وصول در ولایات و دهات و قصبات نسبت باین مردم بیچاره چه میکنند و خوشبختانه روزنامهجات ما این اخبار مجلس را نسبت باین مطالب انتشار میدهند که مردم حقیقه مستحضر شوند و الا آقای شیروانی فرمودند که اگر تحصیلدار قبض شخصی داد مؤاخذ است اما آن بدین نیت نمیدانند بجزردی که مأمور با نظمی آمد جانش

را هم تحویل میدهد و هیچ هم نمی فهمد مگر اینکه کم کم روزنامهجاتی منشر شود و يك چیز هائی بفهمند و بیدار بشوند حالا بنده میدانم که مأمورین وصول باید قبض رسمی چاپی مالیه بدهند اما این نظامنامه است نه قانون بنده نمیخواهم قوت قانونی بهش داده شود میخواهم اگر يك جا خلاف قانونی واقع شد بنده بتوانم سؤال کنم یا تکالیف و کالتی خود را اعمال کنم و الا اگر نظامنامه باشد بنده نمیتوانم

وزیر مالیه - اگر چه خود نماینده محترم مطلب را خوب توضیح دادند راجع بنظامنامه ولی بنده فقط يك چیزی را عرض میکنم در قانون مینویسد ماده ۱۳ - برای اجرای مدلول مواد فوق نظامنامه های لازمه از طرف خزانه دار کل با جلب نظر متخصص مالی تهیه و پس از موافقت و امضای وزیر مالیه لازم الاجرا خواهد بود. این برای چیست؟ برای این قبیل چیزها است. در قانون که نباید نوشت که قبض باید بدهد این قبض سوش دار باید باشد چهار نسخه باید باشد یا دو نسخه اینها يك مسائلی است که جزئی و مربوط اداره اصل مطلب این است که مالیات در مقابل سند داده میشود این چیزی است که هیچ مؤدی اصلاً بدون سند مالیات نمیدهد. مگر همان طوری که خودتان فرمودید آن دیگر مربوط بمسائل عادی نیست يك وقت يك اتفاق فوق العاده بیفتد يك کسی برود زور و بمیل خودش يك کار هائی بکند این را در قانون نمیشود پیش بینی کرد. ما فعلاً قانون میگذرانیم پس قانون را بگذارید همین شکلی که هست باشد چون بعقیده بنده این مسائل مسائل نظامنامه است

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقتند قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای اعتبار (شرح آتی خوانده شد)

بند پیشنهاد می کنم اضافه شود در ظرف مدت شش ماه مفاصلا بمأمورین صاحب جمع بدهند رئیس - آقا این رد شده است اعتبار - مدت تداست راجع بمأمورین است رئیس - بفرمائید اعتبار - در پیشنهادی که آقایان داده بودند مدتی معین نبود نوشته بود باید مفاصلا بدهند این را بنده مدت معین نکردم و نظرم این بود که بالاخره در ظرف يك مدتی هم محاسبات هم بمأمورین مکلف باشند مفاصلا بدهند که بتوانند لایحه تفریح بودجه را تهیه نمایند

رئیس - آقای رفیع

چاج آقا رضا رفیع - بنده نظر آقایان پیشنهاد دهندگان را جلب میکنم بوظایف متخصص مالی یکی از کار هائی که ما از متخصص مالی خواسته ایم اصلاح ترتیب اداره مالیه است همه آقایان اقرار دارند که اداره مالیه ما هیچ مرتب نیست و باید اصلاح شود مخصوصاً در زمان امریکائیا هر کس از هر جائی شکایت داشت آن شکایت را بمبادی شکایت میفرستادند مفاصلا نمیدادند قبض نمیدادند پول میگرفتند این جهت ها بود که ما را مجبور کرد که متخصص مالی بیاوریم که ترتیب اداری وزارت مالیه را اصلاح کند. یکی از ترتیبات اداری وزارت مالیه همین ترتیب مفاصلاست و حضرتعالی هم که موافقت دارید اساساً با این لایحه. در ظرف شش ماه محل ندارد مثلاً اگر نگردد با در وسط راه گیر کرد با توالست برساند آنوقت يك تکلیفاتی معین کرده اید و بنده گمان میکنم عملی باشد ما امید واریم که این متخصص بیاید و يك ترتیبات اساسی بدهد برای اینکه از دست این مفاصلا ما خلاص شویم مالیات ارضی را ازین برداریم که اصلاً گرفتار مفاصلا نباشیم

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت می فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی گرفته میشود بیاد دوازدهم آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سیزدهم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سیزدهم - برای اجرای مدلول مواد فوق نظامنامه لازمه از طرف خزانه دارکل باجلب نظر متخصص مالی تهیه و پس از موافقت و امضای وزیر مالیه لازم الاجرا خواهد بود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

(حاضر نبودند)

رئیس - مخالفی نیست ؟

حقوقیوس - بنده مخالفم

حشمتی - مخالفم

رئیس - آقای حقوقیوس

حقوقیوس - اگر آقایان توجه بفرمایند این ماده بعقیده من هم برای دولت مضر است و هم در شؤونات مجلس بیخاک کرده زیرا البته دولت آزاد است برای اجرای قوانین نظامنامه هائی را بیک طریقه که مخالف باقوانین دیگر نباشد وضع و اجرا کند این يك چیزی نیست که مجلس لزوم وضع نظامنامه را تصویب کند و آنوقت آن نظامنامه ها که طریقه اجرای يك قوانینی است برای دولت لازم الاجرا باشد چون دولت باید دستش باز باشد که در طریقه اجرا بهر وسیله و طریق که در جریان عمل بهتر کشف کرد منظور قانون را اجرا کند نه اینکه مجبور باشد يك نظامنامه را که وضع کرده لازم الاجرا باشد و مجبور باشد مطابق این نظامنامه همیشه

مؤادرا اجرا کند. علاوه بر این آقایان تجربه دارند که در طی نظامنامه ها مواد قانونی درج میشود و مکرر خود آقایان در نظامنامه ها مخالفت کرده اند حالا دلخوشی که بود این بود که این نظامنامه ها قانون نیست و بعضی تذکر نمایندگان وزراء فوراً يك ماده که مضر است می توانند تغییر بدهند حالا شما می آئید قانون وضع می کنید و اختیار می دهید يك نظامنامه وضع شود بعد این نظامنامه را هم لازم الاجرا قرار می دهید که خود شما هم بعد از اجرا دیگر حق تغییرش را ندارید این بعقیده بنده هم برای دولت مضر است هم بالاخره در شؤونات مجلس و اختیار وضع قوانین دخالت خواهد کرد

وزیر مالیه - اینجا تصور می کنم يك اشتباهی شده برای اینکه بالاخره هیچ اداره بدون نظامنامه ممکن نیست اداره شود هیچ قانونی هم بدون نظامنامه ممکن نیست وسائل اجرایی آن فراهم شود اینجا این ماده که نوشته شده برای احتیاط کاری است اگر این ماده نباشد وزیر مالیه مأمور اجرای این قانون است و او باید نظامنامه را بنویسد و اینکه در اینجا ذکر شده از نقطه نظر احتیاط است که خواسته اند این نظامنامه را مقید کنند. و همچو قرار داده شده که این نظامنامه باید بنابر پیشنهاد خزانه و تصویب متخصص بالاخره نامضای وزیر مالیه باشد و حقاً باید هم باشد علاوه چرا آقا فراموش فرموده اند که عین این ماده بدون هیچ کم و کسری در قانون چهارم اسد نسبت باختیارات رئیس کل مالیه سابق ذکر شده و پنجسال تمام مورد امتحان بود و تمام نظامنامهها را خودشان مینوشتند و امضا میکردند و بموجب همان قانون آن نظامنامهها صورت قانونیت بخود گرفته بود اینکه میفرمائید در نظام نامه يك مواردی است که با قانون مغایرت دارد و این از شؤون قانون گذاری میباشد این يك ایرادی است که در هر موضوع و هر جا وارد است و باید جلوگیری کرد

و بنده هم انکار نمیکم که در بعضی از نظامنامهها شاید از نقطه نظر اشتباه و سهو (نه از نقطه نظر عمد) يك خلاف قانون هائی در کار باشد ولی باید اصلاح کرد مخصوصاً برای اینکه اسباب کار را باید فراهم کرد. این را نباید همچو فرض کرد که حالا که اینطور است نظامنامه را اداره مربوطه نباید بنویسد. خیر اینکار را باید بکنند عمل وسائل اصلاح و اسباب کار فراهم باید کرد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - نظر بنده هم بهمان موضوع است آقای حقوقیوس فرمودند. میخواهیم قانون بنویسیم و وزیر مالیه را هم مأمور اجرای آن بکنیم این مثل این است که ما ازحالا بطور مساعده رای بدهیم که نظامنامه واجب الاجرا و در حکم قانون است. بنده حقیقتاً فکر آقای حق نویس را تقدیس می کنم. ما وزیر را مسؤل اجرای قانون می کنیم اما بار اجازه بدهیم که نظامنامه بنویسد بنده جداً مخالفم و همین مسئله کافی است که نظامنامه را برخلاف قانون بنویسد

رئیس - آقای حشمتی

حشمتی - مخالفم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - بفرمائید

دادگر - عرض میکنم بنظر بنده بیانات آقای وزیر مالیه کاملاً وافی بمقصود بود. این جا با آقای شیروانی يك تبادل نظر هائی می کردیم که بنده یکی از آنها را بعرض مجلس میرسانم. ما فکر می کردیم آیا این مسئله مورد مباحثه واقع خواهد شد که برای قانون نظامنامه هم باید نوشت یا نه؟ هر دو خیال می کردیم مورد مباحثه نمی شود. این مسئله از مسائل قطعی است که متخصص و مباشرین مالی و وزارت مالیه باید بنشینند

و يك نظامنامه بنویسند. و بطرزی که پیش بینی شده تمام متصدیان که مأمور اجرای این قضیه هستند باید شرکت کنند و تسهیلات را فراهم نمایند. پس این اشکالی ندارد. اما اینکه میفرمائید نظامنامه ها برخلاف قانون است این يك امر علیحده است! اگر نظام نامه نوشته میشود البته برای اجرای قانون است. و بنده تصور میکنم خلاف قانون وقتی است که قانون نظام نامه نداشته باشد

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- عرض می کنم هر قانونی يك ترتیب اجرائی دارد و مطابق يك نظام نامهای قوانین باید اجرا شوند ولی متأسفانه همان عملیاتی که نظامنامه ها بسر مردم آورده مخالفین را وادار می کند که تذکر بدهند این نظام نامه مخصوصاً آنهاست که در وزارت مالیه نوشته میشود برخلاف قانون و حقیقتاً اسباب زحمت است شما نظام نامه بانك رهنی را ملاحظه بفرمایند. بجای این که اسباب تسهیل امر و راحتی مردم را فراهم کنند بد ز اسباب زحمت شده و يك طوری کرده اند که واقعاً جلو قرض دادن را گرفته اند و مردم را بدبخت کرده اند بطوری که می گویند هزار رحمت بر آن مؤسسه های رهنی رحم اله النباش الاول مثل دیگر -- قانون ممیزی را ملاحظه بفرمائید چطور اجرا می شود و به بینید بامردم چه کرده اند حقیقتاً این نظامنامه معنی قانون را از بین برده و اسباب زحمت مردم شده بطوری که شما خودتان همه روزه شکایت دارید و داد میزنید شما خودتان همیشه می گوئید نظامنامه قانون بدست حقیقتاً هم هم بطور است صورت جلسات حاضر است هر يك از آقایان در این جا بنوبت خودشان راجع به نظامنامه حرف زده اند و روی هر فرقه این نظامنامه و متحد المال ها دو عامل قوی برای بدبختی این مردم شده اند و راستی هم اینطور است زیرا در يك امری پشت سر هم متحد المال میباشد به شکلی که آن مأمور بدبخت اصلاً نمیداند چه کند

بنده نمیگویم که قانون نباید نظامنامه داشته باشد ولی نظامنامه را قانون بکنند. و اگر باین طوری که در این جا نوشته اند تصویب شود هر چه دلشان بخواهد مینویسند آن وقت هر وقت که شما حرف بزنید جواب می دهند بموجب ماده ۱۳ قانون متخص مالی شما اجازه بوزارت مالیه دادید که این کار را بکنند آن وقت شما هیچ نمیتوانید بگوئید این است که بنده عقیده دارم مسکوت عنه بگذاریم. ما نظامنامه را قبول داریم ولی برآی خودشان باشد که اگر خلاف قانون شد يك نمایندگی در مجلس بتواند اظهار کند که فلان ماده از نظامنامه شما برخلاف قانون است زیرا مکرر دیده ایم نظامنامه بامردم چه کرده است

مخبر -- عرض میکنم بارفقا گاهی صحبت میکنم که چه باید کرد که مجلس شورای ملی قدری سریع تر کار کند و امور باصورت بهتری بگذرد. یکی از چیزهایی که بنظر میرسد این است که از يك فکرو طریق باید جلو گیری کرد. و آن این است که در هر مورد آقایان معایب را بنظر میآورند ولی طریق حل برایش ذکر نمیکنند. این يك موردی است که اگر ما طرز حرف و پیشنهادات را طوری کنیم که در يك موضوعی که مخالفت میشود هیچ استدلالی را از طرف مخالف قبول نکنیم مگر اینکه طریق عملی هم برای آن کار ارائه و نشان بدهد. اگر این ترتیب عملی شود آنوقت يك قسمت زیادی از اوقات مجلس حفظ خواهد شد البته این ها بطور کلی يك مسائلی است که قابل تنقید هم هست مثلاً نظامنامه تحدید زبک يك چیزی بدست که ما بتوانیم معایبش را برده بپوشی کنیم همینطور سایر نظامنامه ها را وقتی ما خوب ملاحظه کنیم میبینیم يك عیوانی دارد ولی بالاخره راجع بگیری چیست؟ اگر يك نظامنامه بطور غلط اجرا شده این مجوز این بدست که قانون نظامنامه لازم ندارد. این ماه عملی بدست که ما بگوئیم قانون نظامنامه لازم ندارد. بلکه راه عملی این است

که بوقی يك نمایندگی با يك چیزی اظهار مخالفت میکند افلا خوب است طریق عملی آنرا هم بگوئید که چه وسیله باید فلان کار را جبران کنند بنده معتقدم که یکی از طرق جلو گیری از نظامنامه های غلطی که اجرا میشود این است که از نویسندگان نظامنامه باید استیضاح کرد. تنها طریق جلو گیری همین است که هر وزیری يك نظامنامه برخلاف قانون نوشت از او استیضاح شود و غیر از این هر طریق رفتار کنیم غیر عملی خواهد بود مادر اینجا احتیاط کردیم و نخواستیم نوشتن نظامنامه ها را به دماغ يك نفر وا گذار کنیم بلکه گفتیم چند نفر از رؤسای ادارات با هم بنشینند و يك نظامنامه جامعی بنویسند وزیر هم ملاحظه کند و بعد از دیدنش بنویسد اجرا شود ما گفتیم این متخص که میاوریم برای ارائه طریق اقتصادی در امور مالیه یکی از وظائفشان نوشتن نظامنامه باشد زیرا ما معتقدیم که آنها از نظامنامه های خارجه اطلاع دارند و می دانند چه جور نظامنامه را باید بنویسند که با قانون و عدالت مخالفت نداشته باشد گفتیم پیشنهاد کننده خزانة دار باشد اصلاح کننده مستشار باشد امضا کننده وزیر مالیه باشد اجراء کننده وزارت مالیه باشد این يك مسئله عملی بود که بنظر ما رسید اما اینکه گفته می شود که اصلاح نظامنامه نمی خواهیم این همان نمیکند يك مسئله عملی باشد

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است
رئیس -- آقای روحی

روحی -- بنده از ابتدا ای که این قانون مطرح است هیچ مذاکره نکرده ام حتی پیشنهاد هم نداده ام ولی در این قسمت چون يك موضوعی است که مبتلا به مملکت است ناچارم نظریات خودم را عرض کنم. در دوره اول یا دوم (نظرم نیست) قانونی برای تحدید زبک تصویب شد. نظامنامه که برای آن نوشته اند حقیقتاً برخلاف قانون اساسی است زیرا بدون هیچ مجوز قانونی در خانه های مردم میریزند

و مال مردم را غارت میکنند محض اینکه حرف هم بزیم میگویند نظامنامه گفته. و کسی هم استیضاح نمیکند قانون در اثر نظامنامه خنثی مانده است

الان خیلی از نظامنامه ها مخالف قانون نوشته شده و وقتی هم که حرف بزیم میگویند نظامنامه بنده بکلی مخالفم با اینکه دولت حق داشته باشد نظامنامه را بنویسد و اجرا کند زیرا با این ترتیب قطعاً این نظامنامه ها با قوانینی که از مجلس میگذرد اصلاً ناسازگار و ناسازگار خواهد کرد. بنده عقیده دارم حالا که نظامنامه بمجلس نمیآید افلا بکمیسسیون مربوط باین امر برود که نقلانظام نامه طوری نوشته شود که اسباب زحمت مردم در آینده فراهم نشود و کمیسسیون مربوط هم همان کمیسسیون قوانین مالیه است و الا اگر بنده خودش نظامنامه را بنویسد خودش هم اجرا کند این را بنده قویاً مخالفم اصلاً بنده عقیده دارم این ماده حذف شود

وزیر مالیه -- مکرر در اینجا يك مذاکره می شود که چندان لزوم ندارد. با این نواقص که در قوانین است خودمان يك کاری نباید بکنیم که مشکلات بیشتر شود يك نظری در اینجا است و آن اینست که گفته میشود اصلاً نوشتن نظامنامه مربوط بامور بن اجرا نباید باشد خوب این يك نظری است يك نظر دیگری هم هست که ما آن نظر را در مورد آقای شیروان توضیح دادند. خلاصه این است که ما خواستیم مطلب يك صورت محکم زری پیدا کند. البته نظام نامه را باید بر طبق مواد قانون انشاء و تنظیم کرده و اگر هر جا کسی يك نظام نامه برخلاف قانون نوشت البته باید تذکر داد. البته وزیر مالیه که مسؤل این امر است اگر نظام نامه خلاف قانون را امضا کند شما می توانید از او مؤاخذة کنید او هم برای احتیاط کار خودش البته باید تمام وسائل کار را فراهم کند که يك ماده خلاف قانون از زیر امضایش بیرون نرود. و البته برای این قبیل مسائل شورای دولتی لازم است و این کار از وظایف او است و باید بشورای عالی دولتی مراجعه شود

بدیهی است که نظامنامه در وزارت خاها مختلف است گاهی ممکن است اینها با هم متناقض باشد. پس باید همه اینها در يك مرکزی جمع شود که در این کار تخصص داشته باشند و آن مرکز همان شورای دولتی است ولی ما که فعلاً شورای دولتی نداریم باید سعی کنیم که در مملکت خودمان يك چیزی شبیه بآن پیدا کنیم و در جاهای دیگر هم که شورای دولتی وجود دارد برای همین است که وقتی لوایح قانونی در مملکت پیدا میشود با نظامنامه هائی باید برای قوانین نوشته شود باید با آنها مراجعه بشود و مورد نظر و مطالعه واقع شود. البته اگر ما هم يك همچو مرکزی داشتیم با این اشکالات بر نمیخورد بولی جالب است پیشنهاد میفرمائید بکمیسسیون مربوطه مراجعه شود در صورتیکه این کمیسسیون کار زیاد دارد مجلس علنی دارد جلسات دارد و مسلماً باین کار نمیتواند برسد در صورتیکه این يك چیزی است که مبتلا به دولت است و نمیتواند او را معطل کرد پس بهتر این است که آقایان بهمین ترتیبی که در نظر گرفته شده رای بدهند و با این شکل موافقت بفرمایند تا اینکه بعد آن اسباب کاری که در همه جا هست و لازم است تهیه شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

حق نویس - کافی نیست. بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

حق نویس - بنده مخالفم با اینکه آقایان میفرمایند مذاکرات کافی است در صورتیکه هنوز آقایان مقصود مخالفین را نفهمیده اند آقای مخبر خیال کردند که مخالف معتقد است نظامنامه لازم نیست در صورتیکه کسی همچو حرفی نمیزند مخالف میگوید باید اقتدارات مجلس و مشروطیت را حفظ کرد. پس خوب است آقایان اجازه بدهند که در این باب مذاکرات بشود تا مقصود کاملاً روشن شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - عرض از مذاکره و تقریر و بیان مقصود است با این ترتیب همان میکنم همینکه چند نفر

از آقایان مذاکره فرمودند البته مقصود معلوم میشود و اگر آقایان نظری دارند ممکن است پیشنهاد بفرمایند ادامه مذاکره منظور آقایان را تأمین نمیکند

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهادها قرائت می شود.

(پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سیزده این قسم نوشته شود ماده ۱۳ - برای اجرای مدلول مواد فوق نظام نامه های لازمه از طرف خزانه دار کل یا جلب نظر متخصص مالی و موافقت وزیر مالیه تهیه و پس از تصویب هیئت وزراء لازم الاجراء خواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - در اینجا احتیاطی که آقایان نمایندگان دارند برای این است که در تنظیم نظامنامه بیشتر دقت شود. گرچه در خود لایحه قدری احتیاط شده و نوشته اند با جلب نظر متخصص مالی و پیشنهاد خزانه داری و امضای وزیر مالیه. ولی برای مزید احتیاط بنده قسمت هیئت وزراء را هم اضافه کردم البته وقتی که به هیئت وزراء مراجعه شد چون يك عده زیادتری از آقایان در آنجا تشریف دارند و مسئله را ملاحظه میفرمایند اشکالاتی فرضاً در کار باشد در آنجا رفع می شود این نظر از هر جهت مقرون بصواب و بهتر است زیرا از يك طرف کمیسسیون های مجلس در کار قوه مجریه دخالتی نکرده اند و از طرف دیگر با مطالعه کامل ری نظامنامه تهیه و تنظیم میشود بنده تصور میکنم خود آقایان هم با این نظر موافقت در این مورد اگر هیئت دولت و آقایان وزراء نظر داشته باشند بعقیده بنده بهتر است و هیچ اشکالی هم بنظر نمی آید

(باین شرح خوانده شد)

پیشنهاد می کنم پس از جمله وزیر مالیه جمله ذیل اضافه شود: و تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس رئیس - آقای حشمتی

حشمتی - وضعیت و سوابقیکه برای نظامنامه در این مملکت موجود بود بطوری است که باندازه سرسوزنی نمیتوان امیدوار بود که يك نظامنامه خوبی نوشته شود. نظامنامه برای قانون طبابت نوشته شد. تمام آقایان کاملاً مطلع هستند که وضعیت آن نظام نامه و همچنین سایر نظام نامه ها در این مملکت تا کنون از چه قرار بوده است با این ترتیب با تمام بیانات منطقی که آقای وزیر مالیه میفرمایند معیناً تصور میکنم بشود باین ترتیب رأی داد حالا که این طور است بنده معتقدم لا محاله بتصویب کمیسیون قوانین مالیه برسد. از این جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که این نظامنامه با جلب نظر متخصصین مالیه و موافقت وزیر مالیه و تصویب کمیسیون قوانین مالیه نوشته و تنظیم شود و بعد از آن اجرا گردد این ترتیب دیگر نه وقت هیئت وزراء را میگیرد نه وقت مجلس را میگیرد و نه اشکالی دارد و يك مسئله علمی است که بطور اعتدال مقصود بعمل خواهد آمد و الا اگر غیر از این باشد اسباب زحمت مردم قطعاً فراهم خواهد آمد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - بنده خیلی خوش وقتم از اینکه صحبت نظامنامه که بمیان آمده آقایان افکار خودشان را راجع بعداوتی که با نظامنامه های سابق داشتند فرد فرد بیان فرمودند خود بنده هم یکی از آنها هستم ولی تصدیق میفرمائید که این يك چیزی نیست که ما بیاوریم بکمیسسیون قوانین مالیه اگر بخواهیم این کار را بکنیم شاید متجاوز از صد نظامنامه باید بکمیسسیون قوانین مالیه بیاوریم شما کی و چه وقت می توانید این کار را

وزیر مالیه - همان اعتراض را که بنده نسبت به پیشنهاد و مذاکره با آقای روحی کردم عین همان اعتراض و اشکال در اینچاهم وارد است هیئت وزراء کارش زیاد است گرفتاری دارد نمیتواند تمام وقت خودش را که باید صرف مسائل عمومی مملکت شود بمطالعه در نظامنامه مصروف کند در اینجا هیچ فرقی از نقطه نظر وزیر یا وکیل نیست هیئت وزراء هم هزار جور مشغله دارد و نمی تواند در این کار ایفاء وظیفه کند تمام این نظامنامه ها را باید سرنا پا بخواند مطالعه کند بحث کند و پای آنرا امضا نماید در صورتیکه هیئت وزراء با گرفتاری هائی که دارد نمی تواند باین کار بپردازد بنده تصدیق میکنم که اگر در يك وقتی يك نظامنامه خیلی مهمی باشد باید بنظر مجلس و کمیسیون مربوطه باشد چنانچه در مسئله بانک هم قائم شدیم که نظامنامه آن را باید اول هیئت وزراء تصویب کند و بعد بیاید بکمیسسیون قوانین مالیه. البته این يك نظر خوبی است و نسبت به بعضی از نظامنامه های خیلی مهم ممکن است همچو نظری را اعمال کرد ولی بطور کلی نمیتوان گفت که این کار را هیئت وزراء باید بکنند زیرا اولاً نظامنامه های وزارت مالیه یکی دو تا نیست و خیلی زیاد است این کار اشخاص مخصوصی می خواهد که هیچ وظیفه نداشته باشند جز اینکه بنشینند و نظامنامه بنویسند این کار کار هیئت وزراء نیست هیئت وزراء نمیتواند این کار را بکند مگر اینکه يك هیئت دیگری را قائل شویم آن هیئت همان شورای دولتی خواهد بود که خود بنده عرض کردم و باین ترتیب عملی خواهد شد برای اینکار شورای دولتی لازم است. و مادام که اودر مملکت نیست نمیشود بنظر هیئت وزراء واگذار کرد

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر

بکنید. مدتها این کار وقت لازم دارد. اگر بنا شود ما باین امر بپردازیم تمام لوائح مجلسی و کارهای خودمان را باید کنار بگذاریم و کارمان را منحصر به گذراندن نظامنامه بکنیم. پس خوب است با همین ترتیب موافقت بفرمائید. این لایحه مطرح است. با توافق نظر شما با اعتماد شما دولت لایحه اش را آورده و وقتی که شما بیک دولتی اعتماد دارید او خودش تمام مسائل را مراعات خواهد کرد. دیگر هی پیشنهاد هی پیشنهاد مورد ندارد رئیس -- رای میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(معدودی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای یاسائی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده سه اضافه شود (هرگونه نظامنامه که برای اجرای قانون مصوب مجلس شورای ملی نباشد رسمیت نداشته و قابل اجرا نیست)

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود وقتی که ما قانون جزا را وضع میکردیم رفقا نظرشان هست که میگفتیم اگر دولت بر خلاف قانون یک نظامنامه نوشت علاوه بر انفسال ابدی مجازاتش هم فلان است. یک موضوعاتی اصلاً قانون ندارد مثل معادن جنکلی، خالجات انتقالی و خیلی چیزهای دیگر برای اینها رفته اند و یک نظامنامه هائی نوشته اند چون قانون ندارد نمیتوانیم بگوئیم که این نظامنامهها برخلاف قانون است زیرا چنانچه عرض کردم اصلاً قانون ندارد پیشنهاد بنده مشعر بر این است که اساساً نظامنامهها جای قانون را نمیگیرد. بالاخره اگر نظامنامه نوشته میشود چون برای اجرای قوانین مجلس است باید در همان حدود باشد و اگر بر خلاف و خارج از حدود قانون باشد رسمیت ندارد. از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم و اگر تصویب شود خوب است و مسلم خواهد

شد که نظامنامه جای قانون را هیچوقت نخواهد گرفت مرتضی قلیخان بیات - یک دفعه دیگر بفرمائید قرائت شود

(مجدداً بمضمون سابق خوانده شد)

مخبر - عرض می کنم اگر درست ملاحظه کنیم در اینجا دو نظر است. این پیشنهاد اصلاً ضرر دارد و نقض غرض است. ممکن است یک نظامنامه باشد که برای اجرای قانون نوشته باشند ولی خوب نباشد. در اینجا ممکن بود مقصود خودشان را بیک نحو دیگری تأمین کنند. در صورتیکه بنده خدمتشان عرض کردم اگر نوشته بودند (برای اجرای مدلول مواد فوق نظامنامه در حدود قوانین) بنده ممکن بود قبول کنم و نظریه ایشان را هم تأمین میکرد ولی با این طرز فعلی بنده نمی توانم قبول کنم.

رئیس -- رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه

قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم این ماده حذف شود

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرض میکنم ما قانون می نویسیم و وزرای مسؤل داریم. در اینجا پس از اینکه قانون تصویب شد توسط مقام ریاست به هیئت وزراء ابلاغ میشود برای اینکه قانون را بموقع اجرا بگذارند. حالا بنده نمیخواهم چیزی عرض کنم. گفت بمر و بدم. نظام نامه می خواهید بنویسید بنده کاری ندارم ولی بنده نمی توانم راضی شوم که به طور مساعد از حالا رای بدهم نظامنامه هائی که می نویسند مثل قانون لازم الاجرا باشد. بنده وزراء را مسؤل اجرا میدانم. وزارتعالیه مأمور اجرای قانون است. هرکاری

می کنید بکنید ولی بهتر این است که ما اصلاً ذکر از این مطلب نکنیم تا در وقت اجرا اگر مواد نظامنامه با قانون تخلف کرد من بتوانم در اینجا در مقام سؤال و استیضاح بآیم، والا اگر ما در اینجا رأی بدهیم که نظامنامه لازم الاجرا است. با این بیاناتی که در اینجا میشود بهمین محظوری که تاکنون گرفتار بوده ایم باز دچار خواهیم بود و اگر داد و فریاد هم بکنیم فائده نخواهد داشت، مثلاً ملاحظه بفرمائید در نظامنامه میگویند هر کس عوائدی برای دولت پیدا کند صدبست و پنجاه را بخودش میدهد، خوب خانه بنده خزانه دولت، نصفش را بخودم بدهید میگویند تا اول میزان هر کسی قسط دوم مالیات خودش را نداد هر روزی که عقب میفتد روزی دو تومان باید بدهد، بدنی و بین الله مردم ایران چون خیلی پولشان زیاد است باید این قبیل جرائم را هم بدهند! مأمورین مالیه با این ترتیب وقتی که در ولایات و قصبات و دهات وارد خانهای مردم بیچاره میشوند معلوم است که چطور معامله میکنند می نظامنامه پشت سر هم می نویسند و اسباب زحمت و ابتلاء مردم را فراهم میآورند پس ما باید این عنوان را از این جا برداریم و مسکوت بگذاریم تا به بینیم چطور نظامنامه را می نویسند، گفت دور از شتر بخواب خواب آشفته مبین. مساماً وقتی که ما این اختیار را بوزیر ندادیم حتی الامکان سعی میکنند که نظامنامه های سهلی وضع کنند و در مورد اجرا کمتر مزاحمت ب مردم وارد آورد ولی وقتی که این اختیار را دادیم هرکاری دلش می خواهد میکند. بنده چون داد و فریاد مردم را شنیده ام این پیشنهاد را کردم دیگر اختیار با اکثریت است. رئیس -- پیشنهاد دیگری راجع بحذف ماده رسیده است قرائت میشود.

(باین نهج قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این ماده حذف شود روحی

رئیس -- آقای روحی

روحی - بنده عرض میکنم این ماده زائد است زیرا ما اگر باین ماده رای بدهیم مثل این است که تمام نظامنامه های غلط را تصویب کرده باشیم. نسبت باشکالانی که پیش خواهد آمد ساکت باشیم و بآنحاق داده باشیم آقای دکتر لقمان یک چیزی فرمودند که حقیقه خیلی جای تعجب است گفتند برای آن قانون طباطبائی که چند روز قبل اصلاح کردیم و از تصویب گذرانیم یک نظامنامه نوشته اند که اسباب زحمت است نوشته اند وزارت معارف از هر طیبی که باید امتحان بدهد بیست تومان حق میگیرد و اگر امتحانش رد شد آن پول را پس میدهد ملاحظه بفرمائید این حقیقتاً یک نظامنامه غلطی است. خوب اگر این نظامنامه به کمیسیون معارف آمده بود ممکن بود بگذارند یک همچو نظامنامه نوشته شود. پس بنده عقیده دارم که این ماده باید حذف شود و هر نظامنامه به کمیسیون مربوطه خودش ارجاع شود تا با کمال دقت و مطالعه نوشته شده. اما اینکه میفرمایند نظامنامه های وزارت مالیه بقدری زیاد است که کمیسیون مربوطه نمی تواند این کار را بکند بنده تصور نمیکنم آن نظامنامه ها هم از دو سه تا تجاوز کنند و در ظرف دو سه روز کمیسیون قوانین مالیه موفق خواهد شد که این نظامنامه را بگذارند پس محض رضای خدا بیایید و یک فکری کنید که اسباب رفاه مردم باشد نه زحمت.

یکی از نمایندگان - پس چرا تقاضای حذف کرده اید روحی - آقا توجه بفرمائید. قانون اساسی خانه و جان و مال مردم را مصون قرار داده معذک در ولایات مأمورین مالیه نوبی خانهای مردم میریزند کاسه میبرند، کوزه میشکنند، آثابه می چایند، غارت میکنند تا یک و کیلی هم بوزارت مالیه حرف میزند فوری جواب میدهند نظامنامه این حق را داده پس حالا که اینطور است بیایید خصوصاً آقایان وکلاء ولایات نفقد کنید و یک کاری بکنید که بیش از این موکلینتان دچار و

پیشنهاد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد. مراجع میشود به کمیسیون

جلسه را ختم میکنیم

بعضی از نمایندگان - صحیح است

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

گرفتار بدبخت نباشند.

رئیس -- آقای بیات

بیات - عرضی ندارم.

رئیس -- رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این